

کتابخانه ایرانی
Iranische Bibliothek in Hannover
شهرنور

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه ۳ دی ماه ۱۳۵۸ بهای ۲۵ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب
مسلحانه خلق فلسطین را
هر چه باشکوه تر برگزار کنیم!
(اول زانویه یازدهم دیماه)



آقای بازرگان! جاسوس بعدی، کدامیک از دوستان "پاک" شما است؟!

های انقلابی طرح میکردند، برای مردم روشن شده و ما هیئت افراد کابینه بازرگان مانند یزدی ها، چمرانها، مدنی ها و... تا حدود زیادی رفته است.

وقتی نیروهای انقلابی مهدهای دولت بازرگان را احداث میکردند، وی عمل آنها را کارشکنی و "جوبلای جرخ دولت" گذاشتن بقیه در صفحه ۱۸

مزدور را در دستور کار خود قرار دادند. ما آنها نیز بیکار رنشتند و با استفاده از ادیسو و تلویزیون و دیگر رسانه های گروهی و در سایه توهم و ناآگاهی نوده ها، آنچه که خود بودند به نیروهای انقلابی نسبت دادند و مردم را علیه آنها بسیج کردند.

امروز با گذشت بیش از ۱۰ ماه از قیام خونین بهمن ماه، بسیاری از حقایق کهنسرو -

بعد از قیام شورا های واقعی که در مرحله های شوروی و ستا، در کارخانه ها، در سربازخانه ها، در ادارات و... تشکیل شده بود، منحل شدند و بدست فرصت طلبان و خائضینی افتاد که یا مستقیماً در خدمت امپریالیستها بودند یا غیر مستقیم منافع آنها را پاسداری میکردند.

افزودن بعد از قیام نیروهای مخرقی، خصوصاً انقلابیون کمونیست افشای این عناصر

شیوه برخورد چریکهای فدائی خلق با مبارزات کارگران بیکار تهران

نقدی بر مقاله "اگونومیسیم و آثار رنسم در حرف ما هم دشمن اند ولی در عمل دست همدیگر را می نارسند" (کار شماره ۲۷)

تولوزیک طبقه کارگر و "ضرورت پیوند خیابانی اقتصاد دی بیکاران با مبارزه ضد امپریالیستی توده" به جنبه های منفی حرکات کارگران بیکار "تحت تاثیر سیاسی - ایدئولوژیک گروه های نظیر بیکار روا منالیم و گروه ایدئولوژیکی" برخورد نمایند.

رفقای فدائی در نشریه کار شماره ۲۷ طی مقاله ای تحت عنوان "اگونومیسیم و آثار رنسم در حرف ما هم دشمن اند ولی در عمل دست هم - دیگر را می فشارند" مسائلی را در رابطه با تحن کارگران بیکار در وزارت کار مطرح ساخته اند.

در این مقاله رفقای فدائی ظاهراً خواسته اند با تکیه روی ضرورت شکل و آگاهی سیاسی ایدئولوژیکی

یزدی: دزدی که "امین قافله" میشود

را عهده دار شده است. کسی که اسناد درازیم گذشته در سفارت ایران در آمریکا را دزدید! (۲) کسی که همدست و همکار یزدی با زرگان در مذاکره با برزسکی و زده بندی با آمریکا بود و بالاخره کسی که نه ما تمام بسوزان یکی از چهره های اصلی دولت خباثنگار بازرگان نام تلاش خود را برای حفظ سلطه امپریالیسم بکاربرد... بقیه در صفحه ۲

چندی پیش دکتر یزدی وزیر سابق امور خارجه، از طرف آیت الله خمینی ما مورسیدگی به شکایات مردم ستانها شد. این خبر قبلاً در ذهن بسیاری از مردم این سوال را بوجود آورده که چرا یزدی، این حامی مستقیم منافع آمریکا، حافظ قراردادهای اسارت با امیر - یا لیستی (۱) و مجری قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری خرید سلاح از آمریکا چنین ما مورستی

چمران با اخراج کادرهای مبارز و موقی از ارتش خواست اربابان آمریکایی اش را به اجرا در میاورد

جایی که ساواکیها، ضد اطلاعاتی سابق کسانی که به کشتار رسیده های مبارزین را میاوردند و کسانی که روابط سری خود با امپریالیستها را نه تنها حفظ کرده، بلکه تقویت هم کرده اند در راس کارها قرار دارند و مشمول "تعدیل" و تصفیه قرار نمی گیرند معلوم است که چه کسانی را از ارتش اخراج خواهند کرد.

صفحه ۹



- مسجد سلیمان
- اعتصاب در شرکت "پرسپولین"
- شوستر
- اعتصاب در سازمان آب تصفیه
- اهواز
- مبارزه کارگران شرکت "ایران دارسل"
- و همبستگی آنها با کارگران "گسترش مسکن"
- در حضور ۳۰۰۰ نفر از کارگران و کارمندان "چوکا" استاندازی بکلان استیضاح شد!

صفحه ۳



- دهقانان روانسر کردستان:
- برادران دهقان متحد شویم!
- شورا انقلابی ضد فئودالی عشایر (فارس) را فرا گرفته است

صفحه ۷

- جنبش ملی
- برگزاری مراسم ۱۶ آذر در مازندران
- صفحه ۸
- ریشه های بحران مسکن در ایران (۴)
- صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ نیویورک خورد...

رفقای فدائی مدعی هستند که "اکنون - میتهای خط ۳ از آنجا که همواره جنبه اقتصادی مبارزه کارگران را در مدنظر دارند و از همه جنبه های مبارزه کارگران به مبارزه اقتصادی آنها بطور مشخص و به مبارزه سیاسی آنها بطور مجردی پرداخته اند، خواهان تحصن کارگران بودند. جالب توجه است که این دو گروه (منظور گروه های خط ۳ و گروه اشراف دهقانی است) یکی با تفکرات کونومیستی و دیگری با تفکرات نازیستی در این مورد به روش مشابهی می رسند. هر دو این گروه موفق شدند که کارگران سیکارا در آن مقطع از مبارزه سیاسی غذا میریالیستی جاری، دور کرده و سیکارنگی کارگران سیکارا از سیاست بردوا مبرا سازند" (بمنقل از مقاله فوق - الذکر).

ما قایل از این که به مسئله تحصن کارگران سیکار و بررسی موضع رفقای فدائی و خودمان درباره آن بپردازیم، خوبست. بیستیم رفقای فدائی که خواستار بردن آگاهی سیاسی میان طبقه و به اصطلاح طرفدار مبارزه سیاسی بطور مشخص هستند می خواهند که سیاست و کدام آگاهی سیاسی را میان کارگران ببرند.

رفقا معتقدند که: "خرده بورژوازی بنا بر ما هیئت دوگانه و نوسانی خویش و خصلت تنگ - نظراتش همه شرایط لازم را دارد که از مسیر اصلی مبارزه منحرف شود. زمانی که کوشش های خرد بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت در مبارزه با میریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها (!؟) درگیر است و بطور طبیعی انتظار ریاری فعال و نامحدود بیرونی را در این نبرد دارد، وظیفه کارگران و نمایندگان - کارکنان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد میریالیستی حمایت کنند. زمانی که چنین حمایتی نمی شود، بطور طبیعی کارگران سیکارا آنها را متهم به آمریکا می سودن میکنند".

رفقای عزیز! کارگران ما، ما هیئت که مبارزه غذا میریالیستی می کنند، لیکن با این وجود با زهم آنها را متهم به آمریکا می سودن - کنند! (با این دلیل ساده که آنها (هیئت حاکمه) با زدن مارک آمریکا می، کمونیست، اخلالگر و نه فقط با متهم کردن، بلکه با بکار بردن اسلحه و زور در مقابل کارگران سعی دارند مبارزات غذا میریالیستی کارگران را در نقطه خفه کنند. مسلم است که اگر کارگران دنیا له روسیا است هیئت حاکمه شوند، و اگر از وی حمایت کنند و از مبارزه و اقتضای غذا میریالیستی دست بردارند هیچ وقت به آمریکا می سودن هم متهم نمی - شوند. شما کارگران نا آگاه را از اتهام به آمریکا می سودن می ترسانید، در حالیکه همین کارگران به اصطلاح نا آگاه به مبارزات خود ثابت کرده اند که این آنها هستند که در این مبارزه غذا میریالیستی خلقهای ما قرار دارند. بگذار هیئت حاکمه کارگران ما را به آمریکا می سودن متهم کند، لیکن کارگران ما آلت دست

بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱ یزدی ...

اکنون چنین عنصری ما مورسیدگی به تنگایات و در دلدل های مردم گشته است! آنها با گرفتن رای اعتماد از آیت الله خمینی، پس آنهمه توب و تشرهای جمهوری اسلامی و دیگر جناحهای هیئت حاکمه به یزدی و با زرگان و امثالهم چه شد؟ لابد در "قط الرجال" هیئت حاکمه کسی بهتر از او پیدا نمی شود!

این بیخ و خصما و بده بستانها در هیئت حاکمه چه چیز را نشان میدهد؟ جز اینکه تضاد میان مواضع و سیاست جناحها و عناصر درون هیئت حاکمه تا آنجا بروز میکنند که منافع اصلی و مشترک همه آنها حفظ گردد. منافع که تمام جناحهای هیئت حاکمه را با تمام تخافدها بشان مثل زنجیری بهم متصل کرده و در برابر خلق قرار میدهد. این زنجیر بیخ قبیتی نباید گسسته شود. اگر زمانی سیاستها و شیوه های یزدی با روشی جناح خرده بورژوازی در هیئت حاکمه منطبق نمی گردد (که این عدم تطابق نیز معمولاً زمانی بروز میکند که هیئت حاکمه تحت فشار رشد جنبش انقلابی مردم واقع شود) باید بلافاصله به جاره جوئی پرداخت و از یک راه دیگر بهره های "ارزنده" ای چون یزدی را که کارآئی و توانائی اش در امورهای خاشا نه، مورد نیاز است، حفظ نمود. اگر در یک جا به "ساحت مقدس" یزدی و با زرگان توهین میشود، در جای دیگر برای رفع هرگونه سوء تفاهم باید از این اعاده حیثیت بعمل آید و این چنین است که با فرمان آیت الله خمینی و اعلام اینکه یزدی مورد اعتماد است وی دوباره از ظرف هیئت حاکمه غسل تعمیدی باید. اگر یزدی بهمراه با زرگان از سمتهای خویش برکنار میشوند، لازمست مجدداً در موضعی حساس قرار گیرند تا اعتبار از دست رفته بورژوازی خیانتکار و وابسته به میریالیسم دربار بر مردم بدست

(۱) - البته یزدی دوروز قبل از استعفا خود قرار داد و جانه نظمی ایران و آمریکا را لغو میکند، بدین امید که آبروی از دست رفته خود و هیئت حاکمه را بخرد. اما اگر بختیار توانست با انحلال ساواک آبروئی دست و پا کند اینها نیز میتوانند.

(۲) - در اوائل بهمن ماه ۵۷، زمانی که آیت الله خمینی دربار رییس بودیسی از آنکه دانشجویان ایرانی سفارتهای شاه را در کشورهای مختلف تصرف میکردند، یزدی هیئتی را برای سرپرستی سفارت ایران در واشنگتن تشکیل داد. در این هیئت شهریاری روحانی قرار داشت که یکی از بستگان نزدیک یزدی و از افراد با نداد در آمریکا است. در این هیئت یکی دیگر از اعضاء با نداد و بنا مدکت راجیل ضرابی نیز شرکت داشت که هم اکنون یکی از افراد مسئول در "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" است. هیئت مزبور که بنا شد آیت الله خمینی به سرپرستی سفارت ایران در آمریکا - تا تعیین سفیر - مشغول بود به اسناد بسیار مهمی در روابط

آید. مخصوصاً یزدی این سرسپرده سیاستهای امپریالیستی ما مورسیدگی به خواستهای مردم میشود تا احتمالاً با یکسری اصلاحات - اصلاحات ناجائی که برای رژیم ما مکان داشته باشد - محبوبیتی دست و پا کند. همین سیاست در مورد بهشتی یکی دیگر از اعضای امپریالیسم در رژیم جمهوری اسلامی پیاپی می شود. این شخص

● "از نظر آقای یزدی محاکمه آمریکا، یعنی تشکیل یک دادگاه فرمالیته، چند نطق و خطابه علیه جنایات آمریکا در ایران، رای به محکومیت آمریکا و دیگر هیچ!"

با در اختیار داشتن بودجه ای کلان ۱۵۰۰۰۰۰۰ (یک میلیارد و صد و پنجاه میلیون تومان) - ما مورسپرستی جها دس زندگی میشود، بدین ترتیب می بینیم که مهره های چون یزدی و بهشتی که از محبوبیت توده ای برخوردار نبوده و تا حدود زیادی منفرود مردم هستند در اسراکن - های رفتمیستی و اصلاح طلبانه رژیم می خزنند تا موقعیت و نفوذ خود در مجموع هیئت حاکمه را تثبیت نمایند و همه اینها به فرمان صریح آیت الله خمینی و با دادن رای اعتماد از سوی وی انجام میشود. اینجاست که بیوند منافع میان خرده بورژوازی مرفه با بورژوازی لیبرال و وابسته خیانتکار خود را نشان میدهد و اینجاست که با ردیگر ثابت میشود خرده بورژوازی بقدرت رسیده نمی شود تضادها میریالیست با خود مستقل از مهره ها و سرسپردگان امپریالیسم و بورژوازی لیبرال، خائنینی چون یزدی، چمران، با زرگان و... اعمال قدرت نمایند. موجو - دیت جناح خرده بورژوازی در هیئت حاکمه با موجودیت اینان بیوند خورده است و فرسه ای که به جناحهای وابسته و لیبرال وارد می آید مستقیم و غیر مستقیم موقعیت خرده بورژوازی در

بقیه در صفحه ۱۷

ایران و آمریکا دست یافت، اما کوچکترین اثری از آن اسناد به اطلاع مردم نرسید. پس از تشکیل دولت موقت وزیر خا رجه وقت دکتر کریم سنجابی با رها خواستار آن شده اسناد مزبور را به ایران ارسال نمود. اما آقای یزدی که در آن زمان "معاون نخست وزیر در امور انقلاب" بود مانع از ارسال آن اسناد به ایران و پسا افتادن آن بدست وزارت خارجه گردید. وزیر خارجه به همه اسناد رجهای لیبرالی اش گویا منجمله در اعتراض به همین دخالتها استعفا کرد و خود یزدی این بار مستقیماً وزارت خارجه و در واقع ترمیم و تحکیم رابطه با آمریکا را عهده دار شد. کمیته سفارت آمریکا که ماه تمام این اسناد را چون مردمک چشم حفظ کرد و اسناد را با امپریالیستی و جاسوسی آمریکا علیه ایران و دیگر خلقهای منطقه را با انستداری یک توکربا وفا نگهداری نمود، زیر نظر مستقیم یزدی قرار داشت. هیچکس ندانست این کمیته چه بود، از کجا آمد و چرا مستقل از کمیته های امام عمل میکرد؟!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پیکار



جنبش کارگری

واقعاً چه کسی در عمل ضد امپریالیست است؟

اخطار کارکنان شرکت لاوان
به وزیر نفت و مسئولین دولتی
برای ملی کردن شرکت‌های وابسته
در شرایطی که موج نوین جنبش‌ها میریبا -
لیستی خلقی میهمان، امپریالیسم جنایت
کار آمریکا و ارتجاع داخلی حامی آنرا بهیچ
افکنده است، توده‌های مردم با طرح خواهش‌های
انقلابی و فدا میریبا لیستی خودهیئت حاکمه
را و امیدارند تا برده‌آ چهره فریبکارانه‌ی
انقلابی خود بردارند.

کارکنان شرکت نفت لاوان که بدرستی در -
یافته اند مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با
سرما بهداری وابسته و ارتجاع داخلی جدا نیست
طی اعلامیه‌ای به وزیر نفت و مسئولین دولتی
اخطار کرده اند که اگر تا تاریخ ۵۸/۹/۲۵ نسبت
به ملی کردن شرکت‌های وابسته نفتی از قبیل:
"لایکو"، "پان امریکن"، "ریمینیکو"، "سوفیران"
و "سرب" و نیز مما دره کلیه سهام امپریالیست‌ها
در این شرکت‌ها و تصفیه فوری و قاطع عناصر
جنایتکار رژیم متحده و ساواکیهای صنعت نفت
بخصوص "لایکو"، اقدامی صورت نگیرد، مسئول -
لیت اتخاذ تصمیمات بعدی، بعهدده وزیر نفت
و دیگر مسئولین دولتی میباشد (اطلاعات -
۵۸/۹/۲۵)

نفتکاران قهرمان هرگز فراموش نخواهند
کرده زمانی را که بیخاطرمبارزه علیه امپریالیسم
آمریکا تصمیم به قطع صدور نفت به آمریکا را
داشتند و آقای معین فرزند وزیر نفت جمهوری اسلام
می، اخطار کرده که هرکس شیرهای نفت را
ببندد ضد انقلابی است، اما بعد که امپریالیسم
آمریکا اعلام کرده که نفت ایران را نخواهد خرید،
اینان فوراً ماگ فدا میریبا لیستی برجسته
زدند و فریاد برآوردند که ما شیرهای نفت را
بستیم!

کارکنان وزحمتکشان! واقعاً چکسی در
عمل ضد امپریالیست است؟

نفتکاران قهرمان که میخواهند ستدیا بستن
شیرهای نفت، کینه و نفرت عمیق خود را نسبت
به حضور امپریالیسم در کشورمان نشان دهند؟

با آقای معین فرکا بهنگونه کارکنان مبارز
راضا انقلابی میخواهند؟

دهها سال است که نفت ما توسط شرکت‌های امیر -
یالیستی غارت میشود، قرار دادهای نفتی که

بدست ناخداشن بسته شده هنوز بقوت خود باقی
است! هیئت حاکمه نتنها این قراردادها را

همچنان حفظ کرده، بلکه حتی حاضر شده برای
مردم توضیح دهد که این قراردادها چیست؟

مبارزه قاطع علیه امپریالیسم رالیستی
است که فقط و فقط، زحمتکشان برهبری طبقه

کارکنان را انجام میسرانند، تا قطع کاملاً
وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امیر -

یالیستی، بخصوص امپریالیسم آمریکا مبارزه
را ادامه دهیم!

مبارزه کارگران شرکت "ایران دارسل" و همبستگی آنها با کارگران "گسترش مسکن"

طلبانده کارکنان را تخطئه کرده و آنها را بعنوان
"ضدانقلاب" قلمداد کردند. یکی از روسا این
عمل را غیر انسانی دانسته و میگفت: همبستن
اعمال باعث شده که سرما بهداری از مملکت
فرا رکنند، این اعمال نتیجه‌ای جز شکست
دولت انقلابی؟! ندارد.

این با و گوئیها مورد اعتراض شدید کار -
گران قرار گرفت. یکی از کارگران فریاد زد:
شما که دم از انسانیت میزنید، پس چرا این جنبش
و حتی نه کارکنان را غارت میکنید، چرا حقوق
کارکنان را بعد از دو ماه بهداری نکرده‌اید.
کارکنان ابتدا قصد داشتند تا مع از خروج
روسا از شرکت شوند، اما بر اثر فریبکاری آنها و
وعده و وعیدپرداخت حقوق و... وعده‌های از کارکنان
با خروجشان موافقت کردند و آنها موفق شدند از
اهواز خارج شوند.

بعد از اینکه کارکنان از فرار روسای
شرکت مطلع شدند، نمایندگان خود را برای شکایت
از کارفرما به اداره کار فرستادند، اما اداره
کار از رسیدگی به شکایت آنها خودداری کرد.
کارکنان بدرستی دریافته بودند که ایمن
اداره سرما بهداری است و قوانین آن هم به
نفع سرما بهداری تمام می‌شود.

کارکنان چه رفتار نمایندگان خود را
روز دوشنبه ۱۹ آذر برای بیگیری خواهش‌هایشان
به تهران فرستادند.

مرگ سرما بهداری را زانو صفت
مستحکم باد صفوف کارکنان

کارکنان شرکت ساختمانی ایران دارسل
(کارهای این شرکت مربوط به گسترش مسکن
بوده و بیجا نگر می باشد) روز سه شنبه ۱۳ آذر
بدنبال اعتصاب کارکنان شرکت گسترش مسکن،
با اعلام خواهش‌هایشان دست از کار کشیدند و برای
ایرا زبستگی با کارکنان شرکت مسکن به
محل این شرکت رفتند. همزمان با ورود این
کارکنان مبارز فریاد "دروبر کارگر" در فضای
کارگاه‌ها طنین انداخت.

یکی از نمایندگان کارکنان گسترش
مسکن، کارکنان ایران دارسل را در جریان
وقایع قرار داد و سپس یکی از کارکنان ایران
دارسل بمیان جمع آمده و به نمایندگی از طرف
کارکنان اعتصابی از مبارزات کارکنان ایران
بستگی کشید و به لزوم اتحاد در میان صفوف
کارکنان اشاره کرد. وی در قسمتی از سخنان
گفت: "ما کارکنان در هر کجای دنیا که باشیم،
با هر فرهنگ و زبانی که باشیم، رای خصلت‌ها و
دردهای مشترکی هستیم، ما همگی از ظلم و جور
سرما بهداری رنج می‌بریم و مورد استعمار
سرما بهداری را زلوصفت قرار میگیریم و در این
راه نتنها اتحاد ما کارکنان ما من پیروزیمان
است".

بدنبال اعتصاب کارکنان ایران دارسل
که از کمترین امکانات رفاهی و ایمنی محروم -
اند، روسای شرکت از تهران به اهواز آمده و با
کارکنان به مذاکره پرداختند، این زانو -
صفتان مفتخورتطبق معمول مبارزات حقیق -

شوشتر اعتصاب در سازمان آب تصفیه

کارکنان "سازمان آب تصفیه شوشتر" از
ساریخ ۵۸/۹/۱۹ دست به اعتصاب زدند. این
عده پس از افتاگری علیه مدیرعامل و فرماندار
خواستهای خود را در حضور "مرعی" رئیس اداره
کارشوشتر مطرح کردند، که بعضی از آنها بشرح
زیر است:

- ۱ - تساوی حق مسکن با کارمندان "سازمان"
- ۲ - برداختن حق سختی کار
- ۳ - اخراج مدیرعامل و انتخاب مدیرعامل
کارکنان و فعال
رئیس اداره کار در مقابل خواهش‌های
کارکنان می‌گوید که نتنها در قانون کار ذکر
شده است، در این موقع یکی از کارکنان با



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اراک - آیا اینست مبارزه ضد امپریالیستی؟

در پنجمین روز تحصن و اشغال استانداری توسط فارغ التحصیلان بیگارا و کارگران اراک - جی کارخانجات صنعتی آلیاز (۳)، سیاه با داران خواست حق بیگاران را که کارفرماستندانه بوده، بشیوه آریامهری سرکوب نمودند، آنان شمار بحق بیگاران را که می‌گفتند: "بیگاری عامل هرفساد است" برای مبارزه ضد امپریالیستی باید کار سازنده کرد" را به بیان، شرایط "حاصل مملکت و بشیرد مبارزه علیه امپریالیسم" لگدمال کرده و نشان دادند که حضور در پیش کلمات و عبارات "مبارزه با امپریالیسم" و مسائلی موقعتیت، حرکت و خواست حق طلبانه مردم را سرکوب میکنند.

کارگران اراک جی خواستار مبارزه با سرمایه داران را خویش بودند، آنان میگفتند که سرمایه داران را لوصفت که در کرمای تابستان از ما سپهر کسی کرده است چه حق دارد که اینک به بیانه "حجم کم کار" را ما را بیگارا ساخته و سرزستانی ما و خانواده ما را با خطر گرسنگی و بیگاری تنها گذارد.

جواب مسئولین رژیم کنونی تهمت چماق و بازداشت بود، آنان با این جواب خود عملانشان دادند که سنگ مستضعف و پابرهنگ را جعفر بیگارا - ارباب سینه می‌زنند.

آقای موسوی "دادستان انقلاب اسلامی اراک در مقابل کارگران اراک جی کارخانه آلیاز با کارفرمایان را لوصفت بیگسار و ما هیبت واقعی خود را نشان داده و بعد در اعلامیه سرابا فریبکاران را به راهپای بیستی بیگاری و دیپلمه ها و کارگران بیگارا گذاشت که مثل گذشته از وعده و وعیدها فراتر نگذاشت. او (آقای موسوی) در اعلامیه گذاشتی این گفته است که بیگاران می- توانستند در مقابل کارآموزی، مجردها ما می- ۳۰۰ تومان و ما ناهلیها ۶۰۰ تومان مزد بگیرند.

ولی این مفتخوار که حرفهایش از جای گرمی بلند میشود اینرا نمیداند و نمیفهمد که با این مقدار رنج و کوشش که ما را کفایت نمیکند و در حالیکه مخارج زندگی روز بروز با لامیرود چطور می شود زندگی کرد.

او میخواست با این پیشنها غیر قابل قبولش (که کارگران بیگاران ایجاد نمیشود) زمینه را برای حمله و سرکوب کارگران و دیپلمه های بیگارا فراهم سازد و برای اجرای این عمل و قیام نه و بیشتر ما را از هیچ اقدامی فروگذار نکرد، و فریبکاران را میخواست مردم زحمتکش ما را مجبور به حمله و سرکوب دیپلمه ها و کارگران بکنند ولی دیگر خلق زحمتکش و رنج دیده ما در این مدت ۱۵ ماه خوب فهمیده اند که منافع هیئت حاکمه ضد کارگران و روضه انقلابی جدای از منافع زحمتکش است و به همین دلایل است که آقای (۳) در خلال تحصن این کارگران، شوراهای کارخانه آلیاز و چند کارخانه دیگر از کارگران متحصن پشتیبانی کردند و کارگران اراک جی نیز با فرستادن اعلامیه های شوراهای دیگر کارخانه ها را در جریان مبارزات خود قرار دادند.

موسوی در اقدام خود پیروز نشده و بلکه بیشتر مفتضح و بی آبرو میشود و مردم زحمتکش اراک با حمایت و جان ننداری از فرزندان زحمتکش و متحصن خود در استاننداری نقشه سوم "دادستان انقلاب" را نقش بر آب میسازند.

ولی جناب موسوی وقتی از این طریق حقایق خود را بیرون می‌سازد ۱۲ نیمه شب یکشنبه ما مورین مسلح خود را برای سرکوب بیگاران متحصن اعزام میدارد و بدین ترتیب با داران مسلح با هم راهی و کمک چماق بدستان و لاتیهای شهروین بیگاران حمله کرده و بطرز وحشیانه ای با چماق و قنداقی تفنگ جان فرزند - ان زحمتکش این شهروین را مقتول و در این حمله از هیچ احتیاطی که شباهت زیادی به یورش و حمله چماق بدستان آریامهری داشت فروگذار نمیکنند و بعد از این عمل ناچار گردیدند که تعدادی از کارگران و دیپلمه ها را نیز گرفته و در کمیته به بند می‌کشند.

صبح روز یکشنبه دیپلمه ها و کارگرانی که توانسته بودند از حمله چماق بدستان جان سالم بدر ببرند به همراهی سایر مردم زحمتکش اراک از جلو استانداری شروع به راهپیمایی در سطح شهر کرده و ضمن افشا و محکوم کردن حمله چماق بدستان خواهان آزادی دستگیرشدگان میشوند که در جلوی مدارس مورد پشتیبانی دانش آموزان قرار میگیرند. میرجعفری عضو شورای شهروین فرهنگ خلق رئیس شهربانی در جلوی کمیته مستقر در شهربانی به راهپیمایان میگوید که متفرق شوید و اگر چماق بدستان به شما حمله کردند مسئولیت هیچ اتفاقی را بعهده نداریم که به مدت کمی بعد از این "اخطار" عده ای چماق به دست مزدور و اوباش شهربانی در مقابل شما (با زاری مفتخوار) که عده ای از مردم ناآگاه را نیز در جمع خود نشاندند با چماق و آهن پاره و شمشیر و زنجیر... جمع راهپیمایان حمله می- کنند و بدین ترتیب معلوم میشود که حمله چماق بدستان نیز با نقشه ای از پیش طرح شده توسط مسئولین شهربانی "دادستان انقلاب اسلامی" می "اراک" و با همکاری شهربانی و... انجام گرفته است.

(بمنقل از اعلامیه مورخ ۵۸/۹/۱۹ "هسته اراک" وابسته به سازمان بیگارا در راه آزادی طبقه کارگر)

آخرین خبر حاکیست که در اثر فشار افکار عمومی مردم شهروین و تلاشهای شوراهای کارگری چند کارخانه، مسئولین شهربانی گزیر روز دوشنبه (۵۸/۹/۱۹) ۱۵ نفر از دستگیرشدگان را آزاد کردند. در ضمن شورای کارگری چند کارخانه اراک طی نشست مشترکی تصمیم گرفتند که تمام کارگران اراک جی بسرکار قبلی خود برگردند. لازم است گزارشات که کارگران اراک جی آلیاز بیگارا درگیر پس از اخراج با تحصن در دفتر شرکت بسرکار خود با زحمت بوده و دولتی با زدن و بند کردن فرما با موسوی (دادستان انقلاب اسلامی) دوباره اخراج شده بودند!

اعتصاب در شرکت "پرسیزیون"

== مسجد سلیمان ==

شرکت پرسیزیون یک شرکت بیما نگاری ساختمانی است که غالباً کارهای نظامی را به عهده گرفته و برای ارتش کار میکند. این شرکت قبل از قیام تعطیل شد و مسئولان آن بخارج فرار نمودند.

بعد از قیام، کارگران کوشش خود را برای برگشت به سرکار و گرفتن حقوق عقب مانده خود آغاز کردند. ولی بعلمت عدم تشکیل و فسادان تشکیلات واقعی نتوانستند شرکت را خودشان راه انداخته و اداره آنها را بدست گیرند.

کارگران پس از مدتها مبارزه و راه بیمانی توانستند حقوق عقب مانده خود را تا نیمه فروردین ماه بگیرند. شرکت پس از برداشت قسمتی از حقوق عقب مانده کارگران، آنها را که حدود ۴۰۰۰ نفر هستند اخراج شده بحساب آورده و دوباره دست بها استفاده مکارگرمسی - زندتا بتوانند و الا با دستزد کمتری آنها را مورد استعما قرار دهد و دوم اینکه ما بیگارا کارگران از بین برود و در آینده هر وقت بخواد، بتوانند براجتی آنها را بیرون کنند.

کارگران بدلیل نداشتن تشکیلات و همبستگی نمی توانستند در برابر حمله شرکت ایستادگی کنند، اینست که حتی به استخدام مجدد داده و بتدریج به استخدام شرکت در می آیند. تا بحال حدود ۱۷۰۰ نفر استخدام شده اند ولی بقیه کارگران هنوز بیگارند.

شرکت با سوءاستفاده از عدم تشکیلات کارگران و خیل عظیم بیگاران، آنها را با حقوق خیلی کمتر از پیش از قیام استخدام می نماید. از حدود یکماه پیش کارگران آگاه شرکت خواستهای خود را تنظیم کرده و آنها را از مسئولان شرکت می - خواهند، ولی مسئولان شرکت پس از مدتی وعده و وعیدها خواستهای کارگران بدون جواب می - گذارند، تا اینکه کارگران از روز شنبه (۵۸/۹/۱۷) دست بها اعتصاب میزنند. کارگران اعلام نموده اند که تا برآورده شدن خواستهایشان اعتصابشان را ادامه خواهند داد. مسئولان شرکت وقتی با حرکت مصممانه کارگران روبرو می - شوند، با تهران تماس گرفته و از کارگران می - خواهند تا بندگانشان را خود را برای مذاکره به تهران بفرستند. در ضمن از کارگران برای رسیدگی بخواستهایشان ۱۵ روز مهلت میخواهند. کارگران روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹، ۴ نماینده به تهران فرستادند.

بعضی از خواستهای کارگران مذکور عبارت است از:

- ۱ - تشکیل شوراهای واقعی در سطح کارخانه های شرکت.
- ۲ - چهل ساعت کار در هفته و تعطیل رسمی روز پنجشنبه.
- ۳ - آقای دهقان، با هر شخص غیر مسئول دیگری حق هیچگونه دخالت در امور کارکنان را ندارد.



کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بومدیریت کارخانه میباشند

۴ - پرداخت حقوق از فروردین ماه ۵۸ به تمامی کارگران که در این شرکت تا غلبل بودند.

۵ - اعلام شؤدکه شرکت برسزبون ملی (دولتی) است یا نه.

۶ - وسایل ایمنی بطورکامل به کارکنان داده شود.

۷ - سابقه خدمت کاری که از چند سال گذشته بلا تکلیف شده طبق شرکت های دیگر داده شود.

۸ - کرایه خانه برای افراد متاهل ۱۲۰۰۰ ریال و برای افراد مجرد ۹۰۰۰ ریال پرداخت شود.

.....

کارگران تنها از طریق ایجاد تشکیلات واقعی خود و متشکل شدن در حول آن میتوانند به خواسته های برحق خود برسند. ■

بقیه از صفحه ۱۳

ریشه های ...

توده های زحمتکش دارای هیچگونه شکل و سازماندهی مبارزاتی که بتوانند مبارزاتشان را ابعا دوسیمتری بخشد، نبودند لیکن با وجود این توانستند با دفاع قهرمانانه خود رژیم شاه را با عقب بنشانند. توده های مردم در جریان مبارزات خود بخودی بود که بی به قدرت متشکل و متحد خود می بردند و درمی یافتند که چه نیروئی در قدرت متشکل توده ها وجود دارد. لازم است در اینجا اشاره کنیم، که در آن زمان هیچکدام از رهبران مذهبی نظیر آیت الله خمینی و نژد - یکان وی و هیچ یک از مدعیان امروزی انقلابی - گری در این حرکت توده ای شرکت نداشتند. چرا که حرکت فعال آنها بر علیه شاه بدستال حرکات بازاری ها و طلاب قم یعنی از حدود زمستان سال ۵۶ شروع شد. در این زمان تنها نیروهای انقلابی چپ بودند که از مبارزات این زحمتکشان پشتیبانی میکردند و در حدی که می توانستند آنها را رهنمود می دادند. بهمین دلیل است که امروز حتی در تعیین زمان شروع انقلاب اخیر ایران و آغاز حرکت توده ای و او جگیری و مراحل مختلف آن نیز بین کمیو - نیستها و رهبران مذهبی و روشنفکران خرده - بورژوازی سنتی اختلاف وجود دارد.

کمونئیستها سرآغاز اعتلای انقلابی و اوج گیری حرکت توده ای را مبارزات صدها هزار نفر از زحمتکشان خارج محدود و در آخر بهار و تابستان سال ۵۶ میداندند و روحا نیبون و روشنفکران خرده بورژوازی مرفه سنتی آغاز حرکت توده ای را از زمان چاپ مقاله ای بر علیه آیت الله خمینی در روزنامه اطلاعات و به دنبال آن شورش طلاب و مردم مبارز قم در زمستان سال ۵۶ می دانند.

ادامه دارد ...

به اساسا سنا مه مصوبه دولت در مورد شورا ها اظهار داشت که این اساسا سنا مه با سخوی یک شیا دوا قعی شورا نبوده و مورد قبول ما نیست و ما اساسا سنا مه تنظیمی اتحادیه سراسری خود را قبول داریم و گفت شورا ها با بیدر مدیریت متارکت داشته باشند و مدیران را در صورت تخلف عزل نمایند. استاندار در این موقع وارد محبت شد و گفت دخالت شورا ها در مدیریت را قبول ندارم و در این بیانه همرا ه مدیرعامل و دارو دستاه جلسه را ترک نمود. کارگران فریاد میزدند که مدیرعامل باید پاسخ بدهد.

در پایان جلسه کارگران ضمن محکوم کردن این عمل استاندار و مدیریت با صدور قطعنامه ای به جلسه خود بیان دادند. در این جلسه کارگران به ما هیئت استاندار و مدیرعامل بیشتر بی بردند و همگی از این صحت میکردند که استاندار نمیتواند کوچکترین باسخی به نیازهای آنها بدهد.

" پرتوان باد دستهای متحد کارگران!"

(۱) - چوگا، صنایع چوب و کاغذ ایران

در حضور سه هزار نفر از کارگران و کارمندان چوگا استاندار گیلان استیضاح شد!

مجمع عمومی نمودن تاریخ تشکیل آن را (روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹) به چهار مقام امضا کننده صورت جلسه ابلاغ کرد. این تصمیم با استقبال شدید کارگران مواجه گردید و در روز دوشنبه پیش از سه هزار کارگر و کارمندان در محوطه کارخانه جمع شدند و شعارهای " مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران " و " پیروز با دحا کمیت شورا ها تجلیگاه خاندکار - گران " را روی دستها بلند کردند.

مدیرعامل و افراد وابسته اش سعی نمودند که شرکت در این اجتماع را تحریم نمایند و با تلفنهای مکرر مانع از شرکت استاندار در جلسه شوند ولی با فشاری کارگران آنها را وادار به شرکت در جلسه نمود. جلسه با بیانی از اتحادیه سراسری شورا های انقلابی اسلامی کارکنان شرکتی تابع وابسته به سازمان گسترش و توسعه سازی منایع ایران شروع شد و بعد از آن یکی از کارگران مبارز عمق شورا طلی سخنان گوینده خود مقامات مذکور را جمله مدیرعامل را با استیضاح کشید. نماینده کارگران از استاندار خواست توضیح دهد که دلیل شورای منتخب کارکنان را خود سنا مه منحل نموده است، از استاندار و رئیس دادگاه درخواست نمود برای کارگران توضیح دهد چرا بدون دلیل و مجوزا قدامه با زداشت وی نموده است. او مدیرعامل خواست علت دشمنی خود را با شورا بدکارگران بگوید. وی همچنین اقدامات مدیرعامل را در استقرا و نیروی مسلح در کارخانه و استفاده قوم و خویش های خود و ایجاد تفرقه بین کارگران افشا نمود. جمعیت فریاد زدند " درود بر کارگر مبارز " بعد از او پیام اتحادیه فارغ التحصیلان بیکار رسمیه رضوان شهر خوانده شد. سپس استاندار در اوران - شروع به صحبت نمود. آقای استاندار بجای پاسخ به سئوالات کارگر مبارز، سابقه " مبارزاتی خود را برای کارگران تعریف کرد و اینکه چند کار می کند و سرش شلوغ است. او سخنان خود را با نحوه توزیع تایید و روغن نباتی و سایر خدمات استاندار بی بیان رساند و در خاتمه نیز اندکی از بیچارگی مردم فقیرترین شهر رشت صحبت کرد تا جلسه را منتهی نماید.

بعد از استاندار یکی دیگر از اعضای شورا شیوه برخورد استاندار را در پاسخ به مسائل کارگران افشا نمود و برای حاضرین در جلسه توضیح داد که چرا استاندار و مدیرعامل از دادن جواب صریح خودداری میکنند و با آثاره

از چندین بیش "صدر" مدیرعامل کارخانه چوگا (۱) با همکاری دارو دسته خود که اکثر آنها بعد از انقلاب برای "مینبرد" مرا انقلاب و خدمت به مستضعفان!! از آمریکا با ایران برگشته اند بر علیه شورای کارکنان کارخانه که منتخب واقعی کارکنان میباشد شروع به دسیسه چینی و تهمت زنی نمودند. این جریان بخصوم بعد از سفر آیت الله شرافتی نماینده رسمی امام به کارخانه (شرح کامل آن در بیکار ۲۵ آمده است) شدت بیشتری گرفت و مدیرعامل با هرگونه پیشنیاد شورا چه در مسائل رفاهی کارگران و چه در امر تولید و مدیریت کارخانه مخالفت می نمود. اختلافات شورا با مدیرعامل بدستال استقرار با سداران مسلح (نیروی ویژه) در کارخانه (که مورد مخالفت شدید شورا و کارکنان قرار گرفت) و ابلاغ اساسا سنا مه مصوبه دولت در مورد شوراها، با وچ خود رسید و مدیرعامل با تکیه بر اساسا سنا مه تصویبی دولت و حمایت "فرض بسور" دادستان انقلاب سندانزلی و طوالتش موقعیت را منتقم شمرد و طی صورت جلسه ای در ساختمان استاندار گیلان با امضا استاندار، رئیس وادادستان دادگاه انقلاب، شورای کارکنان را با وارد کردن یکسری اتهامات واهی در مورد اینکه چرا شورا نظامهای دولتی!! را (که تنها مربوط به رژیم گذشته بود) نقض کرده منحل اعلام نمود. این موضوع مورد مخالفت شدید بسیاری از کارگران قرار گرفت و کارگران قسمت های مختلف از شورا خواستند که راه - پیمائی اعتراضی سازمان داده شود ولی بدلیل وجود عناصر مرتجع و سازگار در شورا با همه تلاش عده ای از اعضا شورا، این درخواست کارگران بنصوب اکثریت اعضا نرسید.

توطئه های مدیرعامل و مدیریت مجتمع با همکاری دادستانی انقلاب ادامه یافت تا آنجا که یکی از اعضای شورا دستگیر شد ولی بعداً با فشاری عده ای از اعضای شورا آزاد گردید. عناصر فرصت طلب وابسته به مدیرعامل با حمایت و همکاری اکثریت اعضا انجمن اسلامی در تمام این مدت با مشغول نمودن ذهن کارگران و اینکه در شورا افراد دجیبی نفوذ کرده اند سعی در تحریک کارگران بر علیه شورا نمودند که بیعت معلوم بودن ماهیت این افراد و تبلیغاتشان موزون واقع شد. شورای کارکنان جهت افشای اعمال ضد کارگری مدیرعامل، استاندار و دادگاه انقلاب، اقدام به برگزاری

فان ، مسکن ، آزادی

گزارشی از بلوچستان (۲)

اوضاع منطقه و شرایط بین ارقیام

همچنان که پیش از این بیان شد بر اثر هجوم میربا لیسوم و عدم رشد اقتصادی، منطقه بلوچستان از نظر اقتصادی عقب مانده بوده و متکی بخود نیست. در این میان گسترش فعالیت با ختمی و راه سازی در منطقه که در رابطه با هدف ها و سیاستهای امیربا لیسوم آمریکا صورت می گرفت (با دکانهای خاش و چاهها رورا همپای سنو) توانسته بود از مهاجرت مردم منطقه به خارج از آن بگا هودوسی نیروهای را که پیش از این در امریکا و رزی کوچک صرف میشد، بصورت کارگزار ختمانی بگا ربگیرند. اما با وجودگیری مبارزات اخیر مردم ایران که منجر به تعطیل شدن غالب کارگاههای ساختمانی و معسوق ماندن پروژههای بزرگ شد، گرجی برای مدتی کارگاههای منطقه همچنان مشغول بکار ماندند اما بدلیل نرسیدن مواد اولیه و متشناسی متخصصین غریبومی از کار در کارگاههای منطقه پس از مدتی تعطیل گشته است. نمونه این کارگاهها که قریب ۲۰ هزار کارگر را در خود جمع کرده بودند میتوان از کارگاه محک (با یکسازه نیروی هوایی چاهسپار)، براون اند روتز (با یکسازه نیروی دریایی چاهسپار) اسکاپا - لسنوس (راه اهدان سیرجند)، سکا سی (راه اهدان کرمان) و... را نام برد. بیکاری این کارگران بومی که سه بیایکاهی مادی در شهرونها بگا ه اقتصادی در روستا داشتند، بلافاصله پس از قیام بصورت مسئله حیاتی این منطقه درآمد. با کوتاه شدن دوران سربازی و معاف شدن بسیاری از دبیلحه ها و دستور عدم استخدام فرا جدید در ادارات و موسسات دولتی بیکاری در منطقه با وسع تری یافت که موجب شکل گیری ورشده حرکات اعتراضی و مبارزاتی مردم بصورت تظاهرات و تحصن ها گردید. از تظاهرات و تحصن هایی که در این نهماه صورت گرفته است میتوان از مبارزات کارگران بیکار شده شرکت "مانا" در زا هدان در تاریخ ۵/۷/۵۷، تظاهرات کارگران بیکار شده دکان نیروی دریایی چاهسپار، تحصن کارگران بیکار شده در محصل استان داری در اوایل اردیبهشت همین سال به مدت یک هفته، تحصن دبیلحه های بیکار در استان داری و آموزش و پرورش (زا هدان) راهسپماشی کارگران بیکار شرکت فنوج در ایرانسپرو و تحصن آنها در تاریخ ۵۸/۲/۸ و تحصن کارگران سرجنگل داری در زا هدان در محل اداره راه در تاریخ ۵۸/۱/۶ را نام برد. گرچه محرک اصلی این تظاهرات و تحصن ها قضا رسدیدا اقتصادی بوده است، اما باید فعالیت نیروهای مترقی و جب رانیز خاطر نشان نمود. البته در رابطه با توسعه بیکاری در منطقه میتوان از فعالیت نیروهای مترجم محلی و بخصوص خوانسین نیز در اینجا ذرا هرنی ها و ذریعهای سرگردنید

بقیه در صفحه ۱۲



جنبش ملی

وظایف نیروهای مـل و انقلابی در کردستان

کهنطور خلاصه میتوان گفت:

۱- تابع نمودن مبارزه ملی خلق کرد با مبارزه طبقاتی (مسئله ارضی بطور مشخص در اینجا). بدین صورت که باید متواضعانه هر چه بیشتر و بیشتر شده های زحمتکش دهقانی را بروی منافع و خواسته های طبقاتی (خواست زمین بطور عمده) بسج نمود و اجازت داده نشود که زمینداران و بیوزواری زیر مالک مسئله ملی به اهداف استعمارگرانه و قدرت طلبانه خود دست یابند. با بسج وسیعترین نیروهای زحمتکش کرد در جهت کسب حقوق طبقاتی و ملی بزرگترین تضمین تداوم انقلاب و مقابله با هرگونه سازش و تسلیم طلبی خواهد بود.

۲- شرکت فعال در وجود آوردن و شرکت در شکل های حاکمیت توده ای از قبیل شوراهای شهروستا و اتحادیه های دهقانی که با اتکاء به نیروهای مسلح پیشمرگه و توده های مسلح دهقانان بعنوان ارگانهای حاکمیت توده و با نظم انقلابی خودشان استوار میگردد.

۳- پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو پیروزی جنبش انقلابی در سراسر ایران است. از اینرو لازم است که در جهت تحکیم پیوند و

بقیه در صفحه ۱۴

"کمیته کردستان" سازمان اخیرا جزوه ای بنام "جرا یورش؟ جراسازش؟" منتشر کرده که در آن راجع به وضع سیاسی کردستان، دلایل پیروی بودن جنبش کردستان، علت یورش رژیم حاکم به کردستان و نتایج این یورش، و همینطور دلیل عقب نشینی رژیم و مذاکره و سازش او و وظایف نیروهای مـل و انقلابی در کردستان را مورد بحث قرار داده است. ما در اینجا قسمت (عمده) آنرا به عنوان "وظایف نیروهای مـل و انقلابی در این شرایط" می آوریم:

"همانطوریکه گفته شد ما در دوران اعتدالی نوینی گردیده است و با توجه به رشدنا همگون و نا هما هنگ انقلاب و بالا بودن سطح مبارزات در کردستان تا حد مبارزه مسلحانه و از آنجا که مبارزه توده های زحمتکش خلق کرد نمی تواند خود را از مبارزات خلقهای ستمدیده جاهای دیگر ایران جدا کند، اعتدالی انقلابی بالای جنبش کردستان نسبت به سایر نقاط ایران و همچنین پیوندنا گسستی بین این مبارزات با مبارزات فدا میربا لیسومی و دموکراتیک کل خلقهای ایران و وظایف اساسی و ویژه ای امروزه در مقابل نیروهای انقلابی مـل قرار میدهد،

سازمانهای انقلابی به تعهدهای خود مومن هستند

اطلاعیه

ساعت یک بعد از ظهر ۵۸/۹/۲۱ یک فروند هلیکوپتر در بگا ه (گاوشان) بین کاروان و سنج بعلت نقص فنی مجبور به فرود شد. پیشمرگان کومه له سنا به وظیفه خود مینویسرس هوشیاری انقلابی بطرف (گاوشان) عزمیت کردند. در این اثناء دو مین هلیکوپتر بر اثر بدی هوا در همان منطقه مجبور به فرود شد. در نتیجه پیشمرگان اعزامی کومه له سر نشینان هر دو هلیکوپتر را توانا به کاروان راهمنای کشی کردند.

سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران (کومه له) بدلیل تعهداتی که در مورد رعایت آتش بس بعهده گرفته است، سر نشینان مزبور را ساعت هشت و نیم آزاد کرده و در ساعت دوازده امروز ۵۸/۹/۲۲ آمادگی خود برای تحویل هلیکوپترها به ارتش اعلام داشتند.

سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران (کومه له)

۵۸/۹/۲۲

انقلابیون با ساد رمنافع خلقند

مردم مبارز سنج

بدین وسیله به اطلاع همشهریان مبارز می رساند که در شبهای سه شنبه ۵۸/۹/۲۰ و چهارشنبه ۵۸/۹/۲۱ پیشمرگان (سازمان انقلابی) زحمتکش کردستان ایران - کومه له (درجهان تعقیب راهزنان که در این مدت و جنیان مزاحم مسافرتین شده و اقدام بفارت اموال مسردم نموده اند) در چاهسپار و سنا می با قتر غریبی، سعید غریبی، صالح اسماعیلی و احمد کرمی دستگیر و در اختیار پیشمرگان این سازمان میباشند. ضمناً مقداری وسائل سرقت شده همسراه با یک ماشین هیپ لندر و ریدون شماره و یک کیلو تریاک از آنها بدست آمده. از کسانیکه در این مدت اموال شان بسرقت رفته دعوت میشود که به مقر کومه له در سنج مراجعه نموده تا ضمن شناسائی در مورد استرداد اموال شان اقدام گردد.

سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران

کومه له

۵۸/۹/۲۲

حق تعیین سرفروشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



دهقانان روانسر کردستان : برادران دهقان متحد شویم

" آنچه بیخواهید فقط سرگذشت مختصری از زندگی ماددهقانان روانسراست . همه ما می دانیم در سال ۴۱ و ۴۲ قانون اصلاحات ررضی شامل حال زمینهای سلطان آباد شد و مقرر گردید تا این زمینها میان ماددهقانان تقسیم شود . و همه ما میدانیم که قسمت این زمینها را از ما گرفته اند و هنوز چکهای را که رسیده سطحی داده شده است در دست داریم ، اما همه دیدیم که نه تنها به ما زمین ندادند بلکه زمین های خودمان را هم زدست دادیم ، همه ما سادیدیم که آقایان اردلان چطور سر ما را کلاه گذاشته و چطور آن عده زاشخامی را که بسرای حقوق خود شروع به فعالیت کردند ، (درویش حسین فیضی ، خلیفه احمد محمدی ، علی اکبر ویسی ، علی محمد احمدی ، گدخدا محمد ولی کرمانی) با تکیه به زانندار مری و بنفوذ در دستگا دولتی به زانندان انداختند و سرکوبشان کردند ، ما فراموش نخواهیم کرد که همین د و برادر غارتگروفا سدهها نفر از دهقانان را آواره شهرها کرده اند و زمینهای اشخاص بسیاری را غصب نموده اند ."

در اینجا اعلامیه ضمن آوردن اساسی عده ای

از دهقانان ، وضع فعلی آنها را ستان داده و بظلم و تکتندگی که خا آنها و فوئودا لیا در حق آنان کرده اند اشاره نموده است ، در بیان اعلامیه می خوانیم :

" ما از برادران بی زمین می خواهیم که هر چه زودتر با دیگر دهقانان جمع شوند تا بتوانیم همگی با هم برای بدست آوردن زمین های که مال خود ما است و خان آنها را غصب کرده فکری کنیم ، و راه چاره ای بیابیم . اگر ما متحد شویم ، اگر دست در دست همدیگر بگذاریم ، اگر به همدیگر اعتماد داشته باشیم ، همه چیز را بدست خواهیم آورد ما اگر بتوانیم متحد شویم همه چیزمان همیشه بماند و خواهد رفت و غورمان در مقابل ثروتمندان غارتگر همیشه خرد خواهد شد ، برادران ، زمین مال دهقانان است ، کردستان مال ماست و ما حباطلی آن ما هستیم ، پس برای بدست گرفتن زمین و آباد کردن کردستان تنها راه ما اتحاد ما است ، و بداند که هیچ قدرتی نمی تواند در مقابل اتحاد ما مقاومت کند ."

از طرف عده ای از دهقانان
روانسر

نظرات زحمتکشان روستای "گوپوم"

(نقل از ضمیمه محلی پیکار ۳۲ کمیته خوزستان) :

زحمتکشان روستای گوپوم روز پنجشنبه ۵۸/۹/۹ جلودادگاه انقلاب اسلامی شیراز دست به نظرات زدند . علت این نظرات اعتراض به آزادی مالک سرسپرده این روستا به اسم "فتحعلی خان گوپومی" بوده است .

فتحعلی خان گوپومی یکی از مزدوران و مالکان بزرگ روستای گوپوم (واقع در ۲۰ کیلومتری شیراز - جاده اردکان) است که بعد از ثبات توسط مردم روستا دستگیر و تحویل سپاه پاسداران میگردد ولی بعد از مدتی فتحعلی خان آزاد میشود . روستائیان گوپوم بعد از اطلاع از جریان دست به نظرات زده و اکثر آنها راهی شیرازی شوند . در شیراز جلساتی استانی در سخن کرده و خواستار دستگیری مجدد فتحعلی خان میشوند . فشار مردم باعث میگردد که استان را رتول دستگیری وی را بدهد . بعد مردم خیردار میشوند که فتحعلی خان قصد مسافرت و فرار به خارج از کشور را دارد . در اثر کوشش عده ای از جوانان روستا فتحعلی خان یک ساعت قبل از پرواز در فرودگاه شیراز دو - سه روزه دستگیر میشود . شب تا سوا ۸ آذر ماه که مردم مشغول عزاداری بودند با کمال تعجب خبر دار میشوند که فتحعلی خان دوباره آزاد شده است . مردم خشمناک صبح روز تا سوا با مینی - بوس و یاری وسواری می آیند شیراز و همگی جلو خانه آیت الله دستگیر شروع به نظرات می کنند . آیت الله دستگیر میگوید که ایسان از آزادی فتحعلی خان خبر ندارند و آقای "مازندرانی" حکم آزادی وی را صادر کرده است . حدود ساعت ۶ عصر مردم در حالیکه شعار "مرگ برمازندرانی" را میدادند جلودادگاه انقلاب جمع میشوند . مردم فریاد میزدند "فتحعلی خان ساواکسی اعدام باید گردد" ، "مرگ بر ساواکی" ، "مرگ برمازندرانی" .

مسئولان دادگاه ابتدا سعی میکردند با تمسک به روزهای عزاداری مردم را متفرق کنند و در میان جمعیت یک نفر با بلندگو داد میزد که مردم مواظب باشید آدم غریبه توی میان نیاید و بعد شروع میگردد به حسین گفتن . اما مردم یکدم فریاد مرگ برمازندرانی سر میدادند و بالاخره مسئولان دادگاه گفتند که باید مردم بروند سیاه ساران و از آنجا حکم جلب فتحعلی را بگیرند و با این حیل مردم را به سیاه ساران باس دادند مردم سوار ماشینها شده و در حالیکه باران میبارید راهی سیاه ساران میشوند . مردم از زمان خود عده ای را بعنوان نماینده انتخاب میکنند و با ساران وارد مذاکره میشوند و عاقبت با قول گرفتن از سیاه ساران مبنی بر دستگیری فتحعلی خان ، مردم به روستای خود بر میگرددند . در نظرات جلودادگاه انقلاب با چند نفر از اهالی زحمتکش گوپوم گفتگو کرده ایم که در زیر می خوانید :

بقیه در صفحه ۱۴

شور انقلابی ضد فئودالی عشایر (فارس) را فرا گرفته است

ما در زیر گوشه ای از مبارزات دهقانان منطقه فارس را نقل میکنیم . این مبارزات در زمین و وضعیت زندگی توده های زحمتکش عشایر را نیز روشن ساخته و اطلاعاتی هر چند جزئی در بررسی بافت اقتصادی این مناطق بدست میدهد :

داراب

اهالی چندین روستای داراب از جمله جمعی کوه سفید ... اقدام به تصرف زمینهای فئودال - لپای منطقه نموده اند . دهقانان در تمام موارد با سپاه پاسداران که در مقام مدافع منافع فئودالها عمل میکنند ، روبرو میشوند . ولی از آنجا که زمین نیاز حیاتیه دهقانان است ، آنان جهت حفظ زمین ناچار از درگیری با پاسداران بوده و در این میان همواره دهقانان پیروزند .

ما در زیر گزارشی از مبارزات دهقانان روستای جمعی و اطلاعاتی را که به همین مناسبت ما در رسیده است نقل از ضمیمه محلی پیکار ۳۳ (کمیته خوزستان) می آوریم :

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

ارتجاع مراسم ۱۶، آذر را در محمودآباد، بابل، آمل و بابل بخاک و خون کشید

داده و در طی آن ارتجاع چهره کرده خود را در ضربه زدن به نیروهای انقلابی و فدا میریالیست فدا ارتجاع نشان داده است .
حمایت پاسداران و ما مورین کمیته ما م

انگ آوریخویی مقاومت مینمود، اما فنانا ریبیش از حد مرتجعین و نیروهای کمکی ! فشرده کمی صوف مبارزان انقلابی پیرو جوان ، زن و مرد ... را تا اندازه ای گسست ، ضرب و شتم و حتی نه

بدعت "کمیته مشترک دانش آموزان انقلابی محمودآباد" (دانش آموزان بینگام و هوا داران سازمان بیکار در درازای طبقه کارگر) جهت گرامی نهادن ۱۶ آذر ، روز دانشجو نظاره های از ساعت ۹/۳۰ روز جمعه ۵۸/۹/۱۶ ، مقابل مدرسه دکتر سربختی - محمودآباد آغاز گردید در این راه هیما ثی قریب به هزار نفر شرکت کرده بودند . راه هیما یان با شعارهای "کارگر ، دهقان ، پشه و ردا ، دانشجوی روز است " "مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما " ، "نه سبزه زدن نه تسلیم ، متحد ، مسلح ، نبرد با آمریکا ، کار برای کارگر ، زمین برای برزگر" ، "خلفیای - رزمند ، میریالیست می لرزد" ، "مسیر راه بیمانی را می بیموندند ، زمانیکه راه هیما یان به مسیر اصلی خیابان آمل رسیدند عده ای عناصر مرتجع ، و نا آگاه ، مسلح به چاقو و سلاح گرم (این عده با دومیستی بوس برهبری آخوندی مرتجع از فریدونکنار ، آمده بودند) مسیر راه - بیمانیان را سد میکنند ، راه هیما یان با شعار - های کوبنده فدا میریالیستی و فدا ارتجاع داخلی بقصد ورود به مرکز شهر با صفوف فشرده آماده حرکت میشوند . در همین حال عده ای از بازاریان و پیشه واران محمودآباد بقصد وساطت با دو گروه وارد مذاکره میشوند ، اما راه هیما یان با اراده و جدوم صبی در عین روزها مانع میکنند از مدتی که راه هیما یان بخاطر مانع از حرکت باز ایستاده بودند بنا بر خواندن مقالاتی توسط عده ای از رفقا با اقتضا مواضع ارتجاع و میریالیست لزوم وحدت و بهم فشرده کمی صوف نیروهای انقلابی و فدا میریالیستی و فدا هیما یان را به هیما ثی رای به میتینگ تبدیل ساختند (ارادل و اوباش مرتجع با ایلوایا شین آوردن چاقو و سلاح های یوزی و ۳ مقدمات حمله را آغاز کرده بودند و از این طرف شعارها شیکه در بالادکرتند و همچنین شعارهای "مرگ بر ارتجاع ، مرگ بر میریالیست" ، "ارتجاع یوسالی است کردستان گواهی است" ، "در دما درد شماست ، مردم بما ملحق شوید" ، "اتحاد ، مبارزه ، پیروزی" مقدمات دفاع را آماده مینمودند مرتجعین که یوسیلها افرا دکمینه و پاسداران هدا بت و رهبری می شدند حمله را آغاز نمودند ، درگیری شروع گردید و محلات شهری با بلوکهای سیاه و سنگریزنی گردید ، با ران سنگ آغاز شد ، دختر و پسر ، زن و مرد ، پیرو جوان بهم فشرده و متحد به حملات ارتجاع پاسخ میدادند ، بیرونی چادر بکمر بسته و با سنگ به طرف مرتجعین یورش میدادند و با شروع درگیری عده ای از بازاریان و پیشه واران که ابتدا یوسالیست آمده بودند همراه با زنان محلات به مقابل بلدهای حملات پاسداران برخواستند ، تعدادی از خمپه ها لحظه بلحظه بیشتر میشد و شعارهای فدا میریالیستی - فدا ارتجاعی با شدت هر چه بیشتر با لامیکرفت ، صدای رگبار گلوله های آمریکا ثی و اسرا نیلی ای کوش فلک را کر میکرد و گلوله های گاز اشک آور میسندان نبرد را تیره و تار کرده بود (مردم آتش و دود را برای خنثی نمودن اثرات گاز اشک آور برپا کرده بودند) منت گره کرده و سنگ و چوب در مقابل گلوله های اسلحه های آمریکا ثی و گاز

- نبرد خونین ۳ ساعته میان مردم و پاسداران در محمودآباد (آمل)
- پاسداران و ما مورین کمیته ، زخمیها را بزور از خانه ها بیرون کشیده و می بردند .
- بیرونی چادر بکمر بسته با سنگ به پاسداران حمله میکرد و پیرو مردی ناسزا گوین سنک ، و چوب می آورد .

از حمله به راه هیما ثی ها و همچنین عدم مخالفت رژیم از چنین وحشیگریها ثی و نا شید ضعیفی آنها نشان میدهد که این حملات گام ملاموردتای شید هیئت خاکمه بوده و حکایت از یک طرح برنا مد ریزی شده برای سرکوب هرگونه مبارزات ضد میریالیستی - فدا ارتجاعی میکند .

براستی هیئت خاکمه ای که خود را در حرف فدا میریالیست معرفی میکند ، چگونه میتواند در عمل هم فدا میریالیست باشد ، وقتی که عوام ملت این چنین وحشیانه دختران و پسران و دانشجویان و دانش آموزان بیکنا را از سرکوبت و با ران مشت و لگد خود میکوبند ؟

هموطنان مبارز !
با تمام قوا از مبارزات انقلابی و فدا میریالیستی خلفیای زحمتکش و نیروهای انقلابی پشتیبانی نموده و از سرکوبی و دستگیری و کشتار نیروهای انقلابی مبارز و فدا شده های آگاه جلوگیری نمائیم . مبارزات خود را متحد و متشکل ساخته ، عمیق تر کرده و تا برقرار ی ایرانی آباد ، آزاد ، مستقل و دیمکراتیک ادامه دهید .

آخرین اخبار رسیده

آمل:

گروهی از دانش آموزان مبارزان انقلابی جهت آزادی با ران در بند خود ضمن تعطیل نمودن مدارس و راه هیما ثی در شهر مقابل سیاه با ران اجتماع نمودند و ضمن افشاکری و فاشیج محمودآباد خواهان آزادی زندانیان شدند ، با ادامه بیگیری دانش آموزان بر سرخواستنه با به همراه خانواده دستگیرندگان که توام با شعارهای فدا ارتجاعی و فدا میریالیستی بود سرانجام دستگیرشدگان درگیری محمودآباد آزاد میشوند (تعداد دستگیرشدگان به ۲۸ نفر میرسد) .

محمودآباد:

۵۸/۹/۱۷ - بقرار اطلاع ، بازار محمودآباد بطلت اعتراض به سرکوب و وحشیانه مرتجعین بحالت تعطیل درآمد .

دستگیری و شکنجه آغاز شد ، بانگ اعتراض مردم زحمتکش شهر محمودآباد بلند شد اما شهر همچنان در محاصره نیروهای مسلح و جفا فداران و ... بود ، زخمیها و ... را بزور و با شکنجه از منازل مردم بیرون میا آوردند ، ارتجاع چه خوب به میریالیست خدمت میکند و عا مریا آگاه چه خوب آب به آسیاب ارتجاع و میریالیست میریزد .

هموطنان مبارز!

این حادثه تنها حادثه ای نیست که در طی چند روز اخیر ما شاهد کرده ایم ، روز ۱۶ آذر در ما زندان ، تمامی راه هیما شیکه بخاطر آن صورت گرفت بخاک و خون کشیده شد .

در بابلسر در راه هیما ثی روز پنجشنبه ۱۵ آذر که از طرف دانشجویان بینگام و فغانا ارتجاعی بیکار با شرکت دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر صورت گرفته بود ، تعدادی از ارادل و اوباش ابتدا در مدرسه زدن صفوف راه هیما ثی بر می آیند ، اما چون کاری از دستشان بر نمی آید ، در شهر به دروغ شایعه پراکنی میکنند که "گمونیتها میخوابند شهر با نی را بگیرند" و به این ترتیب از احساسات پاک و وطن پرستانه مردم سوء استفاده کرده و آنها را بطرف راه هیما یان میکشاند و سپس در حالیکه خودشان مسلح به چوب و چاقو و ... شده بودند بصف دختران و پسران نظاره کننده حمله برده و با وحشیگری تمام به زدن آنها میپردازند ، آنها وقاحت را تا بدانجا بلامیبرند که حتی بحریم دانگشکه نیز تاجا و زکرده ... ضمن اینکه هر سه چپا رنفریجان یکی از دانشجویان می افتند ، تمامی عکسها و علامیه ها و پوسته های دانگشکه را کشته و به آتش میکشند ، حتی شیشه های دانگشکه را هم خرد میکنند و صورت یکی از دانشجویان را با تیغ از بالا با تین میدارند .

در آمل نیز راه هیما ثی و نظاره های فدا میریالیستی "فارغ التحصیلان بیکار" که در آن عده زیادی از دانش آموزان دختر و پسر مدارس آمل و همچنین گروهی زیادی از جوانان این شهر نیز شرکت داشتند ، مورد حمله و وحشیانه همیسن ارادل و اوباش که با سنگ و چوب و چاقو و ... مجهز بودند ، واقع شد در این جریان حدود ۹ نفر زخمی شده اند .

بابل: همچنین راه هیما ثی روز پنجشنبه فارغ التحصیلان بیکار با تین نیز با حمله وحشیانه همین عناصر بهم خورد .
می بینم که این حملات بردا منتهایم با این وحشیگری ، در تمامی راه هیما ثیهای چند روزه اخیر ، در شهرهای مختلف استان روی

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!
ما زمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا شده شما توانسته است اهداف انقلابی خود را بین برد . کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتواند به دست ما برسانید .



چمران با اخراج کادرهای مبارز و مرفقی از ارتش خواست اربابان آمریکائی اش را با جرارد می آورد.

چگونه خواست واقعی توده ها در انحلال ارتش ضد خلقی شاه به ضد خود تبدیل شده است

ارتش ضد خلقی شاه دهها سال آنطور که امیربیا لیستی می خواستند بیورش با نت و بیه عنوان جماعی سرکوب عمده در دست رژیم و بیست به امیربیا لیست ها خائن باقی مانده تنها در سرکوب خلقهای مبارزان ایران بلکه درنا سودی جنبشهای انقلابی خلقهای منطقه و سبزه خلق عمال یکا گرفته شد. مبارزات زحمتکشان و انقلابیون کشور ما با توجه به بحران اقتصادی و سیاسی چاره پذیردی که نا منگبر رژیم شاه شد، در سال گذشته اوچ بی باقی بافت و عنا صریبای از همجین ارتش را نیز جذب خود نمود. همافران دلیر باقیما انقلابی خود در ۲۱ بهمن ما به نقطه عطفی در تاریخ مبارزات میهن ما گشودند و توطئه سازش امیربیا لیست، بورژوازی لیبرال و رهبران مذهبی نماینده خرده - بورژوازی مرفه سنتی را در یک مرحله نقش بر آب کردند. با دگانهای بی از دیگری بدست مردم سقوط کرد و سلاح بدست خلق افتاد و این برای همه جناحهای ضد خلقی خطری عظیم بشمار می رفت. توطئه های تازه ای از آن پس شروع شد تا طرح سازش را جلوی بردن و زیروزی انقلاب دموکراتیک و فدا امیربیا لیستی توده ها جلوگیری نمایند.

خواستار انحلال ارتش ضد خلقی بودند تا بر ویرانه های آن ارتش خلق را بنا نهید، ارتشی که دیگر بایکا ده امیربیا لیست و عمال آن برای سرکوب خلق نباشد، بلکه دست محکم زحمتکشان بر سینه امیربیا لیستچیائی و نیروهای ضد انقلاب باشد. اما توطئه های گدیکی پس از دیگری پیا پیاده شد و از همان روز اول کمونیستها و دیگر نیروهای مرفقی نسبت بدان هندار دادند و موجب شد که ارتش سابق بتدریج با زسازی شود و هنوز یکسال نگذشته است که عملکردهای ضد انقلابی آنرا در نقاط مختلف کشور در سرکوب خلقهای ستم دیده و مبارزان نا هدیو ده ایم و آنقدر مورد اعتماد امیربیا لیست آمریکا قرار گرفته که ۲/۵ میلیار دلار را لاسلحه را هم دریافت کرده است. رکن ۲ (فدا اطلاعات ارتش) با همان هدفها (اما تحت اسم دیگر) شروع به فعالیت کرده و کسانیا امثال نا کرو چمران در راس ارتش قرار گرفتند. انحلال ارتش کس خواست توده های انقلابی بود از سوی آیت الله خمینی که ملا رد شد و هرگونه حرفی و انتقادی در باره سرنوشت ارتش و با زسازی آن غدیت با انقلاب قلمداد گردید. بعدها صحبت از تصفیه ارتش کردند بدین معنی که ما ختمان و ترکیب ارتش هما نظور که بیویدما ندفظ افرادی از کارها

برکنار روند اما آقای چمران از همان ابتدا و همزمان با با زسازی ساواک و دیگر اقدامات ضد خلقی و فدا انقلابی از تبدیل ارتش سخن گفت و حالا این "تعدیل" یا بیرون ریختن بسیاری از عناصر مبارز درون ارتش بویژه خواست امیربیا لیستها و عمال داخلی آنهاست. اسادی همرا با اسامی جمعاً قریب ۷۰ نفر را کمانی که با پیدار اول دیماه ۵۸ اخراج شوند بدست ما رسیده است که کلیشه برخی از آنها را برای نمونه وجهت اطلاع خلقهای مبارز ایران میسر می کنیم. در کمان ریست اسامی افراد اخراجی موارد نام آنها نام بستم می خورد منجمله "اسامی" زبر که هر مورد اغلب این افراد تکرا رتده است:

"جیبی، مخالف روحانیت، پخی کننده اعلامیه های فدائیان خلق، جیبی و دموکرات، محرک، جیبی و ناسرع فاید کمونیستی، تحریک و ایجا در اهیما نی و تشکیل کمیته (شورا؟) منافق، مخالف حکومت اسلامی..."
پیداست که با چنین دیدی، انتهایت دیکری نظیر "فدا انقلاب، سمیائی علیدا انقلاب، دارای کرایشهای ضد مردمی، منفی با فو..." چه معنائی میدهد.
جائی که ما واکنش، فدا اطلاعاتیهای سابق کمانی که به گذشتار عا توده های مبارز بر یاد خند و کمانی که روابط سری خود با امیربیا لیستیا را نه تنها حفظ کرده بلکه تقویت هم کرده اند، در راس کارها قرار دارند مشمول "تعدیل" و با تصفیه قرار نمی گیرند مسلم است که تصفیه و اخراج باید شامل حال "جیبی ها و..." گردد. آیا جز این است که جیبی ها هموار راه فدا کرومانع اقدامات ضد انقلابی هیئت حاکمه، چمران - ها و ناکرها شده اند؟! ممکن است در بین ایی افراد اخراجی برخی به ما شده ای درجه دهم (و بعضا رت دیگر) فدا شده (رها) هم باشند که تا پیدای اخراج شوند، اما با توجه به ما هیئت و عملکردها ضد انقلابی هیئت حاکمه تصفیه و اخراج و مجازاتهایی در حد اعدا میطور عمده شامل پرسل انقلابی ارتش می گردد.

اینک کلیشه چندتا از سندها که مضای دکتر چمران وزیر دفاع ملی یا مضای سرهنگ اصغر نیرونگ سرپرست اداره آجودانی را با خود دارد:

چرا سرکرد فضائی را اعدام کردند؟

با یکاه وحدتی در فلول: در هفت سووم آدرناه، در یکاه نیروی هوائی در فلول (وحدتی سابق) یکی از افسران بنا م سرکرد فضائی، طی یک سخنرانی از سواصل ارتقا نون اساسی انتقاد کرد. بعد از این سخنرانی عده ای از درجه داران تحریک شده، علیه او تظاهراتی برپا می کنند. فرماندهی با دگان بلافاصله او را دستگیر و پس از تشکیل "دادگاه" سرکرد فضائی را در تاریخ ۲۴/۹/۵۸ اعدام می نماید!
ساواکبهای رنگ عوض کرده و فرماندهان دست نشاند، امیربیا لیست که کلیه امور ارتش را هنوز در دست دارند با چنین اعمالی، ارتش را به اصطلاح ملی را تحکیم می بخشند و بسیاری اقدامات ضد خلقی بیست در آینه در کمین نشینند...

Official document from the Ministry of Defense, Iran. It contains a table with columns for 'Name', 'Rank', 'Service Number', and 'Status'. The document is signed by the Chief of Staff and includes various stamps and handwritten notes. The title at the top is 'اسامی کمانیهای ارتش' (Names of the Army Units).

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۷)

در جامعه سوسیالیستی بورژوا چگونه به زندگی خود ادامه میدهد؟

مناسبات تولیدی وزیربنا وروپنا می باشد که انقلاب نرهنگی پرولتاریا بی بانکا، به بیج شده های میلیونی با هدف دگرگون نمودن مناسبات تولیدی - اجتماعی وروپنا کیستن ضرورت می یابد. تنها مبارزه طبقاتی پرولتاریا در زیربنا وروپنا جا معی است که جاسازده خواهد داد مناسبات سوسیالیستی رشد یافته و جا معی طبقاتی سوسیالیستی بسوی جا معی بی طبقه کمونیستی سوق پیدا نماید. تنها بیسبب انقلاب کردن است که میتوان بنحوا حسن تولید را رشده داد. سوسیالیسم نه نتیجه خودبخودی "رشد نیروهای مولد" بلکه حاصل مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه مناسبات کهن ونا بودی این مناسبات می باشد.

در شوروی اشتباهات حزب بلشویک ورفیق استالین در برخورد به این تضادها وچگونگی حل آنها و عدم درک علمی آنان از برخی مسائل دوران گذارینا گزیر منجر به تا کیدیک جانیسه بر رشد تولید و کم بها دن به نقش مبارزه طبقاتی پرولتاریا می گردد. رفیق استالین در "ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی" (سیتا میسر سال ۱۹۳۸) می نویسد: "در اینجا مناسبات تولیدی با موضع نیروهای مولده کا ملا مناسبات است." (تاکید از ما ست) اگرچه رفیق استالین بعدها کم و بیسبب به اشتباه خود در این مورد پی می برد و مطرح میکند تا درست است که تصور کنیم در سوسیالیسم "بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، هیچ گونه تناقضی وجود ندارد، تناقض بدون شک هست و خواهد بود." (مسائل اقتصاد دی سوسیالیسم ۱۹۵۲)، ولی بهر صورت حزب کمونیست اشتباهات شوروی و رهبری آن نمی تواند در این دوران تحلیل دقیقی مبتنی بر ماتریالیسم علمی از مناسبات طبقاتی و رابطه وروپنا و زیربنا را که دهند و چنین انحرافی بنا گزیر نمی توانست به کم بها دادن به مبارزه طبقاتی و بیوزبه مبارزه ایدئولوژیک و عدم انقلاب در مناسبات اجتماعی نیا نجامد.

ادامه دارد ...

بلکه توسط تکنیسین ها و متخصصین مورت می - کیرد، تا زمانی که مهندسین و تکنیسین ها با کار مدیریت برداخته و در کاریدی و تولیدی مستقیم شرکت نمی کنند، تا زمانی که علم و تکنیک منحصربه افرا دمعین بوده و نوعی مالکیت خصوصی آنان بشمار می آید و نه از آنها محروم است و در واقع تا زمانی که پرولتاریا حاکمیت طبقاتی خود را در هر دو جدت تولیدی اعمال نکرده و به مالکیت حقیقی دست نیافته است، مناسبات تولیدی - اجتماعی سرمایه داری از بین نرفته است.

بنابراین روشن است که این مناسبات کهن معنای عوامل با زدارنده، رشد نیروهای مولده که در این میان "بزرگترین نیروهای مولد خود همان طبقه، انقلابیست" (مارکس) عمل میکنند و موجب رشد سرمایه داری میشوند. این مناسبات کهن بخودی خود از بین نمی روند و اگر چنانچه هدف مبارزه آنها گناه و بیکیرو طولانی حزب طبقه کارگر و نهاده ها قرار نگیرند بورژوازی را در بن خود رشدها ده و زمینه سقوط قسدرت پرولتاریا را فراهم می آورند.

بعلاوه در جامعه سوسیالیستی روپنا ی سیاسی - حقوقی با زیربنا ی موجود انطباق کامل ندارد. بقول لنین در جامعه سوسیالیستی "نه تنها حقوق بلکه دولت بورژوازی هم تا مدت معینی با قسی می ماند. منتها بدون بورژوازی!" (دولت و انقلاب). یعنی نه تنها ما دله بر اساس پول، سود، سیستم دستمزدها ی نابرابر و توزیع بر پایه کار یعنی شمار "کسی که کار نمی کند تنها بسد بخورد" وجود دارند، بلکه دولت دیکتاتور ی پرولتاریا در موقعیتی قرار دارد که بیروگرایی، کارکنان جدا زیروسه تولید، روشنفکران بورژوازی و کرات منشی - در دستگا های آن به هستی خود ادامه میدهند، اما نه در این امر، در سطح جامعه ایدئولوژی و فرهنگ طبقاتی کهن و سنن و عادات ارتجاعی بطرز سخت سرانه ای وجود داشته و تکثیر می شوند.

بجیت تحکیم مناسبات تولیدی سوسیالیستی و حل تضادهای موجود بین نیروهای مولده با

در مقالات قبل کوشیدیم تا از نظر تئوریک امکان با زکست سرمایه داری در جامعه سوسیالیستی را بیان داریم، از این پس در بیسی آسیم تا بطور مشخص بعلل ظهور و رشد بورژوازی در شوروی و بیسی غلبه آن بر سرمایه داری در روسیه به هنگا میکه انقلاب سوسیالیستی اکثر صورت گرفت، پرولتاریا از نظر سیاسی در موضع قدرت قرار یافت. پس از آن زیر رهبری حزب بلشویک لنین و استالین و بیسبب قهرمانی های پرولتاریا بدنیال اجرای برنامم - های پنجساله اقتصاد، تولید سوسیالیستی انگشایافته، در اقتصاد دروستای سیستم "ساخت و سازها" و "کلخوزها" غالب گشته و در یک کلام شوروی در ساختن سوسیالیسم دستا وردهای گرانمایه ای کسب میکند و به دژ شکست ناپذیر مقاومت و مبارزه علیه فاشیسم هیتلری تبدیل می گردد.

لیکن جامعه شوروی در تمام طول دوران لنین و استالین یک جامعه طبقاتی است و در آن مبارزه طبقاتی در اشکال گاه هندید و بیجیده ای ادامه دارد. بر اساس قانون وحدت ضدین جامعه سوسیالیستی، جامعه ای در حال گذار است، جامعه ای در کنار عناصر مرشدیابنده جا معی نوین وجود دارند، به معنای دیگری از پیروزی انقلاب اگر چه در جامعه سوسیالیستی بین رشد نیروهای مولده و مناسبات تولیدی یک هما هنگی بوجود آمده و نیروهای مولده در این جا معی نسبت به جامعه سرمایه داری از آهنگ رشد بسیار بیشتر بر خوردند و برگزیده، ولی کماکان بین مناسبات تولیدی و نیروهای مولده و نیز بین روپنا و زیر بنای اقتصادی هما هنگی مطلق و کامل وجود ندارد ولیکنه تناقض موجود است.

مناسبات تولیدی که شامل اشکال مالکیت و سایر تولید، موضع طبقات و گروه بندیهای اجتماعی در روند تولید، مناسبات متقابل ما بین طبقات و اشکال توزیع شده خود در عین حال در برگیرنده مناسبات اجتماعی می باشد. در دل این مناسبات است که مرکز نقل تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی قرار دارد. در جامعه سرمایه داری مالکیت خصوصی و سایر تولید متعلق به طبقه سرمایه دار بوده و این طبقه به حکم موضع مسلط خود در جامعه به متموا شتمسار طبقه کارگری بر داری، تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا تضادی آنتاگونیستی است و آمده و بنا گزیر مبارزه طبقاتی شدیدی بر این پایه بوجود آمده و ادامه می یابد.

حال زمانی که انقلاب سوسیالیستی صورت می گیرد و مالکیت خصوصی منطقی می گردد نیروهای مولده که در مناسبات مالکیت سرمایه داری محدود و مسدود شده بود، امکان توسعه گسترده پیدا می نمایند. ولی در این جامعه مجموعه مناسبات تولیدی - اجتماعی کهن نابود نشده و بلکه به حیثیات خود ادامه می دهند. در جامعه سوسیالیستی مالکیت حقوقی بلافاصله به مالکیت حقیقی پرولتاریا تبدیل نمی گردد و پرولتاریا نمیتواند در سروسه تولید بقوریت بطور کامل کنترل را راده و انحصاری و طبقاتی خود را در دست تک سلول تولیدی اعمال نماید.

در جامعه سوسیالیستی تا زمانی که مدیریت و اداره و ایدئولوژی نه توسط کارکنان آگاه و کمونیست

میتینگ دانشجویان هوادار سازمان پیکار و

دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - شیراز

طی برنامم سرود کارگر، دهقان دانشجویان توسط گروهی از دانش آموزان خوانده شد و شعارها بی در را بگه با پشتیبانی از خلق کرد و محکوم کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا توسط جمعیت داده شد. جمعیت در حدود ۱۵۰۰ نفر بودند که سرود دهقان دانشجویان را در دست جمع می خواندند و با شعارهای اتحاد مبارزه بیروزی و... محوطه دانشگاه، یزنگی را ترک کردند.

روز جمعه ۱۶ آذر، دانشجویان هوادار و مبارز شیراز بهما ست بیست و ششمین سالگرد نیادت ۳ تن از دانشجویان انقلابی، میتینگ در دانشگاه، یزنگی برگزار کردند. میتینگ دانشجویان با سخن سرودهای انقلابی آغاز شد و سپس یکی از دانشجویان درباره تحلیل جنبش دانشجویی مقاله ای خواند. سپس مقاله ای از نشریه، ۱۶ آذر خوانده شد و سرانجام پیام سازمان یسکار... کمیته خوزستان و پیام دانش آموزان هوادار شیراز قرائت گردید. در

ریشه‌های بحران مسکن در ایران - ۴ -



بهر حال این التهاب حیرت‌آور و سرمایه‌گذاری ساختن به شرکت‌های خصوصی امپریالیستی نیز میسرید. مثلا گروه عمران و شهرسازی ایهائی که بیرج معروف "مون پارتاس" (پاریس) بلندترین بنای اروپا را ساخته است، در تیر ۶۶ برای انجام یک پروژه شامل ۵۵۰ آپارتمان کرافت قیمت ۲۲ طبقه در منطقه یوسف آباد به ایران آمد. در همین ماه نمایندگان شرکت ساختن خانه‌های آمریکا شای برای انتخاب زمین و مذاکره با مقامات وزارت مسکن و شهرسازی به تهران آمدند که طی آن قرار بود یک شهرک ۷۰ هزار نفری در منطقه لويزان احداث کند.

در این میان صاحبان سرمایه‌گذاری هر کارگرمی خواستند می‌کردند. مثلا بیکاریا ز- و بیرونی‌ها یک خیابان تهران را که محل عبور و مرور صدها اتوموبیل بود را برای انجام عملیات خاکبرداری خود مسدود کردند! (۱) و با مثلاً باغها و کشتزارهای دهی در نزدیکی کرج (بیلقان) را در مدت کوتاهی از بین بردند و بد زمین مسطح تبدیل کردند! (۲) در همین مورد یکی از اهالی این ده می‌گفت: "گرمایا خواهیم برای کا هگل کردن پشت با منزلان کمی خاک از گوه برداریم اداره منابع طبیعی مانع کار ما می‌شود. اما وقتیکه هزاران متر مربع ده ما را بی جهت تصرف می‌کنند هیچکس معترض نمی‌شود... چندی پیش در قسمت علف‌چری بیلقان زمین بزرگی برای فوتبال جوانان در نظر گرفتیم اما سا زمان زمین علف‌چری بیلقان را بستند. سا زمان تصاحب کرد و در روزها ما اعلام شد که این زمین ملی شده است. ولی بعد از مدتی همین زمین را با بول‌دوزها فر کردند و متری ۵۰۰ تومان فروختند!" (۳)

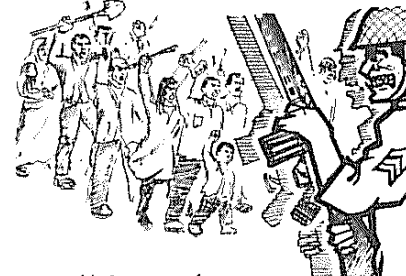
نقش دولت نیز در تنظیم کردن منافع بزرگترین زمینداران و بورس بازان زمین سیرسیار را لب بود. مثلا درست در حالیکه ما حیواناتی بخاطر ساختن یک زیرزمین در آلونک خود بدست ما موران شاه مزدور بقتیل می‌رسید، دولت تصویب نامه‌ای اجرا می‌کرد که بر اساس آن زمین به مقدار کافی با اجازه ارزان از اراضی ملی شده موات در اختیار زمین خواران بخش خصوصی داده شود (۴). و با مثلا دولت در ۴ تیر ۶۶ برای کمک به بخش خصوصی از نظر تامین مصالح ساختمانی، به خصوص سیمان ایجاد ساختمان‌های جدید دولتی را ممنوع کرد. و با در ۹ تیر ۶۶ اقدامات دولت برای کمک به بخش خصوصی برای تکمیل واحد-های ساخته نشده نیمه تمام از جهت تامین وام، مصالح ساختمانی... آغاز شد که با استقبال وسیع بخش خصوصی مواجه گردید. تازه حتی اگر همین بخش خصوصی آنچه را که می‌ساختند بصورت اجازه حتی با نرخ‌های بالا در اختیار تقاضا کنندگان قرار می‌دادند، مسئله مسکن

فشار و سرکوب سربرون می‌گشود و خیر از یک اعتدالی انقلابی علیه تمام زمین‌های اقتصاد وابسته به امپریالیسم داد. صدها هزار نفر از بنده‌های "خارج محدود" که شاخه‌های هفتاد و پنج و بنا بودی حاصل سالها رنج و مشقت خود بخاطر درست کردن یک سرینا و وجهه رادیواری محقر بودند حرکت وسیع مبارزاتی خود را شروع کردند این حرکت در تداوم رشد و توسعه خود در انکسار جدید تر توسط رژیم سلطنتی را در هم پیچید و به امپریالیسم آمریکا لطافت جدی وارد آورد. لازم است اشاره‌ای به مبارزات برشور شده‌های مردم در آن سالهای سرکوب و خفقان بکنیم.

در مرحله با قریب آباد و ولین برخورد جمعی مردم با مزدوران رژیم که برای خراب کردن خانه‌ها آمده بودند در ۲۵ تیر ۶۶ اتفاق افتاد. در این روز تعدادی از مزدوران به منطقه حمله کرده و شروع به خراب کردن خانه‌های می‌کنند. در همین حین عده زیادی از اهالی آژن و بجه و مردمانی که در خانه‌ها بودند به ما موران حمله کرده و ما موران با سروروی خونین ناچار به فرار می‌شوند. یکی دوروز بعد درگیری دیگری پیش می‌آید. در این روز دوباره ما مورین با ماشین و چند موتورسیکلت به منطقه حمله میکنند مردم نیز که از قبل آمده شده بودند تا سروصدای ورود ما می‌شوند همه ز آلونک‌ها و خانه‌ها بیرون رفته و با هر چه که دستشان بود به ما مورین حمله میکنند. در مقابل فشار هجوم مردم، ما مورین شهرداری تاب مقاومت نیاورده و قرا را برقرار ترجیح می‌دهند.

در مرحله دولت آباد یکی از اسکنان بنام محرم کردلو در درگیری با ما مورین رژیم شاه شهید می‌شود. محرم کردلو با فروشی در میدان ظاهری بود که بعلت کرایه خانه‌ها زیاد به آن محله می‌آید و در زمین خودش خانه‌ای می‌سازد. از آنجا که تعداد افراد خانواده اش زیاد بود، وی سعی می‌کند که در قطعه زمین دیگری که همانجا داشته یک خانه دیگر بسازد. ابتداء هزار تومان رشوه به مزدوران میدهد و اجازه ساختن یک زیرزمین را می‌گیرد. هنگامیکه ساختمان زیرزمین به آخر می‌رسد ما موران به آنجا حمله میکنند. محرم به همراهی زن و بچه‌اش در مقابل تخریب مقاومت میکند. او به ما موران می‌گوید "ده هزار تومان می‌دهد که ما بدهید تا خودم خراب کنم" ولی آنجا زیرزمین را با بول‌دوز درهم می‌کوبند. در جریان مقاومت محرم، یکی از مزدوران سرا و او را به نیراهنی می‌گوید که محرم بر اثر خونریزی مغزی شهید می‌شود. زن و مادر او هم در این جریان زخمی میشوند. درگیری مردم "علی آباد" ولین بار در ۵ مرداد ۶۶ اتفاق افتاد. در این روز ما مورین بقیه در صفحه ۱۳

برای افشای چون استادان، مهندسان و... حل می‌نشد در حالیکه هیچوقت اینطور نبوده است و در واقع "علاقه‌مندان به اجازه دادن واحد-ها ما مگانه‌ها نیستند... خالی نگاه داشتن خانه‌ها و آپارتمان‌ها هیچ سودی را در بر ندارد هزینه‌های نگهداشتن یک آپارتمان ۵۰۰ هزار تومانی در حدود ۷۰ هزار تومان در ماه است. زیرا عادی ترین بهره‌ها به ۱۶٪ رسیده است. ۷۰ هزار تومان اجازه ما هیا نه برای یک آپارتمان ۵۰۰ هزار تومانی قیمت خوبی است زیرا از ده درصدی که متعارف است بیشتر خواهد بود. وقتی صحبت از بلوک‌های آپارتمانی شامل ۱۰ تا ۱۵ آپارتمان پیش می‌آید، میتوان دید که صرف نظر کردن از یک درآمد بین ۷۰ هزار تا ۱۰۵ هزار تومان در ماه با عقل جور در نمی‌آید و کماتنی که این زبان را تحمل میکنند در انتظار مشتری اند زیرا نمی‌خواهند موجود شوند. در تهران و شهرستان‌ها بیشتر آپارتمان‌ها را با سرمایه‌های ما سازنده‌ها تصور کرده از نامشان پیدا است در خط اجازه دادن نیستند و دنبال فروش می‌روند. آن‌ها به محض پایان یک بلوک آنرا می‌فروشند و ما حتی یک یا دو بلوک تا زرها در دست می‌گیرند. در حال حاضر کسانی که با زندگی اجازه دهند حتی یک در مدازما زندگان واحدهای جدید را هم تسکین نمی‌دهند" (۵). (نوجه کشنده آنجکه در باره سیاست با تکلیف مسکن در مورد وام برای خرید خانه‌ها اشاره کردیم) تا گفته پیدا است که همان در دمدمی هم که به اجازه می‌بردازند، تعالیان به اجازه دادن به خارجی‌ها است.



مبارزات زحمتکشان برای خانه‌سازی "خارج محدود"

- مبارزات وسیع بوده‌ای که کانون آن در جنوب، جنوب غرب و شرق تهران از سال ۵۵ شروع شده و در تابستان ۶۶ به اوج خود رسید، آتش گرم مبارزه‌ای بود که از زیر خاکستر سالیان
- (۱) - کیهان ۱۸ تیر ۵۶
 - (۲) - کیهان ۷ تیر ۵۶
 - (۳) - همانجا
 - (۴) - کیهان ۱۱ تیر ۵۶
 - (۵) - کیهان ۹ تیر ۵۶
 - (۶) - کیهان ۲۲ مرداد ۵۸

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از ...

کرد. این قبیل اعمال که از طرف خوانین برای تحت فشار قرار دادن رژیم و متناً زگرقتن از آنها صورت میگرفت (۱)، به مسئله بیگاری و تورم ابعاد گسترده تری می بخشید. بدلیل ناامنی راهها و درمورد ناامنی شهرهای منطقه برای افراد غیربومی بسیاری از متخمین غیربومی (و در بسیاری موارد حتی پهنه ور خرده پای غیربومی) فرار را برقرار ترجیح میدادند. نتیجتاً با توجه به دوری راه و کمبود سراسری ارزاق در کشور، مهاجرت تا میسکنندگان اطلی ارزاق و عدم گردش بولسی در بازار تورم و کمبود ارزاق عمومی را بسیار چشمگیر ساخت. بدلیل فراموشی این شرایط حزب جمهوری اسلامی، انجمن های اسلامی (غیربومی) منطقه، سپاه ساداران و کمیته ها، خودکنترل ارزاق را بدست گرفته در بسیاری از مناطق دورافتاده روستائی و یا شهری بین مردم آردوروغن و نایب صورت مجانی تقسیمند. (در مقیاسی بسیار کوچک نه بصورت مستمر) با توزیع روغن و تاید و آرد تقسیم دولتی از طریق کمیته ها انجام می پذیرد. این اقدامات که همراه با تبلیغات وسیع بنفع رژیم (و عمدتاً بنا مخمینی) صورت میپذیرد بجز در مناطقی شیعمنش تا غیرمطلوبی نداشت و مردم بسا دیده تک و نوردیده این گونه تبلیغات متنگردند. در این رابطه عددهای به نحوه انجام ایسکن اقدامات متعرض هستند و در این رابطه دیده شده است که افرادی مردم را از خریدن اجناس توزیع شده بوسله کمیته منع میکنند و در زمان کار به تیراندازی هوائی نیز رسیده. بطور مثال قیمت کبسه آرد در بازار آزاد ۱۵۰ - ۱۲۰ تومان، نزد ما میلیون فروش ۹۵ تومان است که کمیته ها آنرا ۷۰ تومان می فروشند.

با بدخاطر نشان کرد که در شرایط فعلی ما ملین فروش به قدرت جنس مورد نظر را موجود دارند اما در این مورد وضع کمیته ها بهتر است. نقش خان ها در ایجاد آشوب در منطقه با فروریختن ارکانهای امنیتی حکومت

مرکزی در دوران حکومت پهلوی رو بعد از آن خوانین که سالها مطیع و مواج بکبر حکومت مرکزی بودند برای بسط اقتدار خویش و تجدید عهد با گذشته ملوک الطوائفی خویش فضای بناسی را یافتند. این خوانین، با مسلح کردن جیره خواران و یا بستگان خود سعی کردند در مناطقی آبا، واجدای بار دیگر حکام بلامنازع شوند. برای مدتی بدباج گیری و جمع آوری درگنان خانگی قدیمی خسود پیدا ختنند در خانه ها دوباره به بیگاری کشیده شدند. کمیته های قبیللهای دوباره جان گرفتند و جاهای بسیار نامن و بیسیم و هراس بود. اعظم خان در فتنوج با زور اسلحه از مردم مالیات میگرفت و خاطیان کتک می خوردند. محمدخان میرانامری و عیسی خان مبارکی در منطقه لانا و بمیور برای ترساندن و خاموش کردن روستا ثباتی که میخواستند مالیات نبردند و زنده شدت عمل برداشتند و یکی از دهقانان را کشتند. در منطقه فتنوج بهرام خان شیرانی، در دستگیری مولا داد سردار زهی و کریم بخش سعیدی، در کنارک جها نگیر خان شیرانی، در سراوان امان الله باران در سردر یکی ها و با محمد زهی ها ترک -

تازی می کردند. با یا گیری نسبی دولس با زرگان خود این خوانین برای امنیت منطقه از رژیم جدید تقاضای اسلحه کردند و جالب این است که این اسلحه به آنان تحویل نبرده شد. در اردیبهشت ماه با آمدن خامنه ای (که قبلاً در ایران شورش پیدا کرده است و بعداً ز قیام نیز مسافرت های متکوک زیادی به منطقه کرده که اخبار آن هیچگاه در رادیو تلویزیون منعکس نشده است) و تماس گیری با بعضی از خوانین سیل اسلحه از طریق سرگردانی فرمابنده هک ایران بشهری طرف خان ها سرازیر میشود. یعنی توان مثال به مولادخان سردار زهی (جاه بهارو دستبازی)، محمدخان میرانامری (ایران شهر) بهرام خان مبارکی (سراوان)، هر یک از ۸۰ تا ۱۰۰ قیبه اسلحه از طرف ژاندارمری تحویل داده شده است. خوانینی که اسلحه دریافت کرده اند از مرتجع ترین خانها و غلامان حلقه بیگونی محمد رضا شاه بوده اند و پس از بیخ اسلحه نه تنها به امنیت منطقه کمک نکرده اند بلکه بیخ از پیش به ناامنی منطقه افزوده اند بطوریکه افراد بسیاری در جاهای خا - ایران شهر - جاه بهارخان خود را در طول تابستان ۵۸ از دست دادند. سلطان نیروشروتمند جاههاری و خورشیدی معاون فرماندار جاه بهار و عبداللهی شروتمند ایران - شهری و بسیاری دیگر به گروگان گرفته شدند و پس از تحویل باج ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومانی آزادگشتند. با آمدن پاسداران غیربومی به منطقه و کنترل جاهها توسط آنان امنیت نسبی ای برقرار شده است که بدینترین دلیل آن ارزیابی خوانین و در بعضی قسمتها کنای آمدن موقتی خوانین با رژیم جدید است. هنوز در گوشه و کنار اهالی ها وصل های برانگنده صورت می گیرند و از اقتدار خوانین نیز چیزی کم نشده است. در شرایط جدید که به این خوانین از طرف رژیم قولی داده شده است با بدلیل نایب داری اوضاع و موضع گیری شفاف بعضی عناصر رژیم (مانند ادعاهای دادستانی انقلاب مبنی بر بایستی گرفتن اسلحه ها ئی که توسط دولت ضدا نقلائی حاکم بین خانهای

سندج در دست خلق

فلاً در شهر سندج اداره سیاسی شهر در دست سازمان انقلابی زحمتگان (کومله) می باشد و در مورد مسائل روزمره مردم به آن مراجعه میکنند. سازمان (کومله) از روزی که وارد شهر سندج شده شروع به خلق سلاح جاش - ها و هواداران مفتی زاده که مسلح بودند، کرده و تعدادی از جاشی را که در کنترا مردم دست داشتند دستگیر کرده است. البته روز اول ورود پیشمرگان، خود مردم به هر کس که مدین بودند دستگیر میکردند و تحویل سازمان کومله می دادند که بخاطر وجود دنیا مدن هرچ و مرج از این کار جلوگیری کردند.

در یکی از میسنگ ها، سازمان زحمتگان یکی از جاشی نام معروف نیلی را که قبلاً دستگیر کرده بود پس از تحقیقات لازم چون در کنترا مردم مستقیماً دست نداشت و با توجه به بهانه جویشی که هیئت مذاکره دولس در رابطه با آن می گردید از دادگرونده او اجازه دادند که در دست تریبون قرار بگیرد و از نظرات

مرتجع توزیع شده) خوانین را بیکدیگر نزدیک کرده است و عیناً مزبورک تر آنها سعی دارند که از رشد آنها زنده بمانند و با بیگاری کنترا و در تقاطی که فعالیت نیروهای مترقی چشمگیر نبوده است توانسته اند که مردم را حول بعضی شاهرهای متداول روز (مانند خود مختاری، اما بقیه) نه منفع توده های زحمتکش بلکه بنفع خوانین مرتجع! بسج کنند.

سیاری از خوانین ما نیندیا رکزی ها، میرانامری ها و مبارکی ها و سعیدی ها و سردار - زهی ها که در رابطه با سیستم ملوک الطوائفی با یکدیگر تفاها ئی دارند و در گذشته بر سر نمایندگی مجلس و قدرت منطقه ای با یکدیگر در رقابت بوده اند اکنون به یکدیگر نزدیک شده اند و بر سر انتخاب یک شیوه و روش در مقابل با دولت و نیروهای منطقه ای با یکدیگر کنترا نسب تشکیل می دهند. کنترا نس های قمرقند، ایران شهر، میرا جه و ...، آنانکه سعی در جلب توده های نا آگاه بسمت خود دارند بسا طرح مساطلی مانند "حقوق ملی"، "خود مختاری" سعی می کنند در استان خود را که آلوده بخسود مردم زحمتکش منطقه است پنهان سازند و آب تطهیر بر آن نریزند (۲)، که چه با افسا گیری نیروهای مترقی جبه منطقه این خوانین نتوانسته اند نیروی عظیمی را بدینال خود بسج کنند اما قدرت شافی محمدخان میرانامری و (ا غلاموفادری خوانین منطقه نسبت به او) و نظراتی که اخیراً (ا وائل آدرماه ۵۸) در جاه بهار صورت گرفت نمونه فعلیست خوانین و رنگ خطری است که برای تمام نیروهای مترقی که علاقمند به آسبه منطقه هستند بصدا در می آید.

ادامه دارد ...

- (۱) - نمونه محمدخان میرانامری که بعداً بحت خواهیم نمود.
- (۲) - شایعاتی راجع به تماس گیری ایس خوانین با نیروهای مرتجع شیخ نشین ها و حتی بختیار نیز بیخ شده است.

خود دفاع و یا انتقاد کنند و مستقیماً تا بیعت مبنی بر تکتجه شدن خود را شدیداً تکذیب کرد و از خود در راه محتثائی که در دوبرنا مسه تلویزیون بر علیه سازمانهای سیاسی و خلق کرده بود انتقاد کرد و از سازمان زحمتگان برای پذیرائی که در آن مدت از او کرده بودند تشکر نمود. شهر سندج اکنون در محاصره شدید نظامی قرار گرفته، دولت اصولی را که بینای آتش بس قرار گرفته بود از جمله خروج پاسداران و انحلال سپاه پاسداران در کردستان و عدم نقل و انتقالات نظامی در منطقه بسج وجه توجسه نگرده و هیچ کدام از آنها را عملی ننموده در رابطه با آن شهر دست هنوز در دست سپاه پاسداران و ارتش است در شهر سندج هنوز سپاه پاسداران در مقرات مستقرند، منبها هیچ قدرت اجرائی ندارند.

و در رابطه با محاصره نظامی شهر سندج سازمان انقلابی زحمتگان در یکی از میسک - هائی که تشکیل داده بود (در جواب سوال مردم و اظهار نگرانی مردم که می گفتند دوباره ارتش



و با سادارمی خواهد بیاید بدتوی شیر و آب...
 مرگان می خواهد شهر را ترک کند و بیاورد ما
 را بدست با ساداران و امثال خلفای سیارند
 کشید که تا موقعی که مردم آما دگی دفاع داشته
 با تند و بخوابند و وقت کنند بیمرگان هم
 همگام با آنها در شهری ما ننند و از شهر خود دفاع
 میکنند و آنها فقط در موقعی حاضرند بیرون
 رفتن از شهر هستند که مردم از آنها بخوابند، نه
 بخاطر قدرت سمائی ارتش در درو و بر شیر.

تیردیلوج

"ریشه در کبریه‌های اخیر از هادان"

سیروهای انقلابی و مترقی در منطقته
 بلوچستان، در کبریه‌های اخیر از هادان را از قبل
 بیش بینی می‌کردند و به خلق هشدار می‌دادند
 در همین رابطه خبرهای زیر را از "تیردیلوج"
 شماره ۵ می‌خوانید:

زاهدان

در رایطه با خبری که از طرف حزب اتحاد
 المسلمین از رادیو بی.بی.سی. لندن در مورخه
 ۵۸/۹/۱۶ پخش شد، جا معه؛ سیاستها نیز موضع
 خود را طی اطلاعیه‌ای در این مورد اعلام نمود
 به دستمستی از این اطلاعیه نگاه می‌بینیم:

۵- در بیان اعلام می‌داریم که هر گروه یا
 ارگانی که تعدیداتی مبنی بر جنگ مسلحانه
 نماید، جا معه؛ سیاستها تمام قدرت و امکا
 سات ناخه؛ نظمی خود که هم اکنون در آما دگی
 کامل و مرحله؛ سز بسری برند، از این حرکات
 مذبو حانه که عامل آنها امیرالایم و صهیو -
 سیم بین انقلابی در منطقه است بدت جلیو -
 کیری خواهد نمود.

در ضمن نامه؛ سرکشا ده‌ای بنام حضرت
 آیت‌الله العظمی خمینی از طرف کمیته؛ مرکزی
 حزب اتحاد المسلمین نیز صادر شد که در آن
 با دآوری نمودند که در منطقه فتوادل وجود
 ندارد و هیچ توطئه؛ فذملی از جانب فثقلاب
 و امیرالایم و صهیونیم در این منطقه صورت
 نگرفته و عوامل نتجات در منطقه را بگروه
 خاصی نسبت داده است.

ما به این مرتجمین و عنا سر معلوم الحال
 حزب اتحاد المسلمین و جا معه؛ سیاست نیسیا و
 ناخه؛ نظمی آنی که در مرحله؛ آما دگی و مرحله؛
 سیزی می‌شد، یعنی با ساداران، این مزدوران تازه
 بدوران رسیده می‌گوئیم که خلق بلوچ و مردم
 مبارز سیستان از نقشه‌های شوم شما که هدفی جز
 سراه انداختن حجام خون از توده‌های نا آگاه
 ندارد، بخوبی آگاه است و این جنگ قدرتی که
 شما خائنین خلق درمید سراه انداختن آن و
 اینکه بد رژیم خذ خلقی ثابت ساختید که کدام
 بان لایق نگهداری و حفظ امنیت منطقه هستید
 سرکت نخواهد نمود.

آری خلق مبارز بلوچ، آری مردم مبارز
 سیستان بسوش باشید که خائنین با همدستی
 حزب معلوم الحال اتحاد المسلمین از یک طرف و
 جنایتکاران ناخه؛ نظمی فذ خلقی اش یعنی
 جا معه؛ سیاستها از طرف دیگر شما را به برادر -
 کشی وادارند، شاعی که طی سالهای منمادی در
 کنار یکدیگر زندگی می‌کرده اید، ما در اینجا

از جوانان آگاه بلوچ و سیستانی می‌خواهیم که
 نقشه‌های این خائنین را در میان توده‌های
 زحمتکش افشا؛ نمایند.
 "مرک برابر تاج محلی دست نشاند و جیره‌خوار
 امیرالایم آمریکا!"
 در افشا؛ این حرکتها به همین زودی نوشته
 هائی از طرف گروه ما (تیردیلوج) منتشر خواهد
 شد.

ایران شهر ۵۸/۹/۱۲

در این روز که چهارمین روز اعتراضات و
 نظاهرات مردم سر علیه فاشون اساسی "محمول
 خیرکان" بوده است، فرما نندار ایران شهر در
 جلسه‌ای موضوع حکومت نظمی را در ایران شهر
 مطرح می‌کند و حتی در این مورد تصمیماتی نیز
 گرفته می‌نماید، اما بعلل اختلافاتی که از جانب
 فرما نده؛ هنگ زاندار مرمری در می‌گیرد، این
 موضوع و این طرح منتفی می‌گردد، اما با سادار -
 ان با تمام تجهیزات در خیابانهای شهر و
 فرما ننداری مستقر می‌شوند و خود را آما دده؛

تیراندازی می‌نمایند، اما از آنجا که دانستن -
 آموزان و دیگر زحمتکشان ایران شهر متوجه
 توطئه‌های از جانب خائنین می‌شوند در سطح
 شهر شروع به افشا؛ حرکت خوا نیسی نمایند و
 مردم را از نظاهرات با زمی‌دارند و مردم را به
 مسجد دعوت می‌نمایند تا روشن سازهای اسخاد
 نمایند، مردم در مسجد جمع می‌شوند و مرتجعین
 و عنا سر معلوم الحال از گوشه و کنا ر خود را جمع
 می‌سازند و سعی می‌کنند که راه‌هایی ارائه
 کنند که سنا فغ خودشان، فقط سنا فغ خودشان را
 در بر داشته باشد که با اعتراض شدید جوانان
 آگاه روبرو می‌شوند. در این گروه‌های فقط
 خوا ستیای ه ماده‌ای فوری مطرح می‌شود که
 دایر بر تشکیل شورای مردمی و گرفتن امور
 انتظامی از دست با ساداران و تعیین افسراد
 مطمئن و انتخابی از جانب مردم سمت فرمان -
 دار و تکذیب خبرهای دروغین از رادیو بوده است
 اما از آنجا که ارتجاعیون در این جلسه نفوذ
 می‌کنند و سعی می‌نمایند که فقط حرف، حرف
 خودشان باشد جوانان بعنوان اعتراض جلسه
 را ترک می‌کنند. ■

بقیه از صفحه ۱۱

رسده‌های ...

شهرداری با بولدوزر و رولرد برای تخریب خانه -
 هائی می‌ایند که طی چند روز اخیر ساخته شده است.
 مزدوران دوخانه را در بالای محله خراب می‌کنند
 و به قصد تخریب خانه‌های پایین محله هجوم می -
 برند که با مقاومت یکبار چند حدود ۲۰ نفر از اهالی
 مواجه می‌شوند. مردم با هر آنچه که دستشان
 بود به ما مورین حمله می‌برند... چیزی نمی -
 گذرد که ما مورین فرار را برقرار ترجیح می -
 دهند و بدون اینکه بتوانند حتی یک خانه از
 بائین را خراب کنند، در می‌روند. مردم نیز
 پس از این جریان فاتحانه و سادار ما و مساب
 یکبار رده‌شان با ختن و تعمیر خانه‌های خراب
 شده و سایر خانه‌ها ادامه می‌دهند. یک هفته
 نمی‌گذرد که ما مورین مجدداً در بارادهم سرداد
 حمله و رمی شوند. اما این بار با توجه به شکست
 مفتضحانه‌شان در دفعه قبل، کاملاً با تجهیزات
 می‌آیند، ۱۷۰ - ۱۵۰ ما مور شهرداری با ۲۴
 مائین مرکب از تعدادی لودر و بولدوزر و نیز
 افسروبا سبان شروع به تخریب خانه‌ها می‌کنند.

جمعیت زیادی جمع می‌شوند. هنگامیکه ما موران
 به دومین خانه می‌رسند، ما دری بدفاع از خانه‌ها
 برخاسته و خودشان را جلوی لودرمی اندازدومی -
 کوبید: "با خانه‌ها ما را خراب نکنین یا خودم را کشتین"
 ما موران شهرداری نیز که از فرار معلوم به
 پشتبانی ما مورین شهرانی و زاندار مرمری
 دلخوش گردیدند، بدون توجه به گفته‌های
 این ما در بقصد تخریب خانه، لودر را بین می -
 رانند که به‌وی اما بت می‌کند. مردم بسیاری
 بیرون کشیدن این ما در مبارز از زیر چرخهای
 لودر هجوم می‌آورند که در همین حین، حمله
 به ما مورین از سوی مردم شروع می‌شود. مردم
 که از چند روز قبل آما دده بودند و همه چیز
 را برای حمله آما دده کرده بودند شروع به حمله
 کردند. بدتی نمی‌گذرد که ما مورین با تمام
 وسایل تخریبشان فرار می‌کنند و سه مائین از خود
 سرجای می‌گذارند. همچنین سه نفرشان هم
 زخمی می‌شوند، از مردم نیز دو نفر در ایست
 جریان زخمی می‌شوند. دودسکاها زمائین‌ها
 هم به وسیله مردم خشمگین خرد می‌شوند و یکی هم به
 آتش کشیده می‌شود.

در منطقه‌ای خجی آما دده توطئه اوج مقاومت
 مردم دره مرداد ماه ۶۸ و هنگامی بود که
 ما موران شهرداری به قصد تخریب خانه‌ها حمله
 کرده بودند. مردم قسمت جنوبی با خجی (که
 بیشتر جا درها و آلونک‌ها در آن قرار داشت) به
 طور دستجمعی و متحد به ما موران حمله کرده با
 سنگ و جوب شروع به خرد کردن سینه‌های مائین -
 ها و زدن ما مورین می‌کنند. ما مورین عقب -
 نشینی کرده و با بولدوزر و مائینهای خود فرار
 می‌کنند.

در چشمه علی یکبار ما مورین خانه‌های
 مردم را بطور ناگهانی مورد حمله قرار داد و
 تعدادی را خراب می‌کنند. بعد از رفتن ما مورین
 شهرداری صاحبان خانه‌ها که کم کم سروکلشان
 پیدا می‌شود تصمیم می‌گیرند فرادای آنروز
 برای اعتراض به شهرداری بیرونند که هم احازه
 ساختن مجدداً خانه‌ها را بگیرند و هم خسارت وارده
 در اثر حمله شهرداری را مطالبه کنند. تعداد
 مردم پس از رسیدن به شهرداری از ۵۰ - ۴۰ نفر
 نجا و وزن می‌کنند که با مردمی که برای گنجگای
 آمده بودند منفرمی شوند، اما در اجتماع و
 روز بعد ۵/۴/۵۸ - تعداد بیشتری حدود
 ۷۰ نفر جمع می‌شوند. در روز اول اجتماع مردم
 سراغ شهرداری می‌گیرند. شهردار که جمع شدن
 مردم در جلوی شهرداری را می‌بیند از در عقب
 شهرداری فرار می‌کند و قائم مقام شهرداری نیز از
 ترس درهای اتاقش را قفل می‌کند و در اتاق
 بسته‌بکاری پیدا زد. مردم وارد ما ختن شهر -
 داری شده و شروع به شکستن شیشه‌ها می‌کنند. در
 همین هنگام مائین‌ها و شهربانی سر می‌رسند و
 مردم را متفرق می‌کنند.

در جوادیه تهران بارس در زود خوردی که
 بین ما مورین شهرداری، ما مورین انتظامی و
 اهالی در جریان تخریب خانه‌های نیم ساخته
 خارج از محدوده در گرفت تعداد زیادی از مردم
 محروح شدند و در عملیات تخریب خانه توسط
 مزدوران رژیم ما نیز حدود ۲۰ خانه نیم ساخته
 خراب شد.

اینجا بود نمونه‌های از مقاومت‌های
 قهرمانانه توده‌های "خارج محدود". گرچه
 بقصد در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۷ نظرات ...

یکی از سیر مردان که صورت چروکیده و سوخته‌اش نشانی از سال‌ها رنج و مشقت میداد ، در مورد فتحعلی خان چنین میگفت :
"فتحعلی خان قاتل است ، جانی است ، خائن است . او زندگی ما را برباد داد . او سالیان سال خون ما را مکیده است و حالا کسه دستگیرش کرده ایم ، ما زندرانی ۷ میلیون تومان رشوه گرفته‌ووی را آزاد کرده است " و در حالیکه بشدت عصبانی بود ، شعاً رمیداد : " مرگ برما زندرانی "

یکی دیگر از سیر مردها می گفت : " بیست و چند سال است زارع هستم . فتحعلی خان مزه‌ور گورستان ده ما را با خاک یکسان کرد تا در آنجا کشت کند ، اوجتی به مرده‌های ما نیز رحم نکرده است . بعد از انقلاب نیز بلافاصله زمین‌هایی را که سال‌ها رویشان زحمت کشیده ایم ، فروخت بدیدک عده‌ا ز سرما بده‌اران غیر کویومی و ما دستمان بجایی بندیدند که نتند . ما انقلاب کردیم که فتحعلی خان‌ها اعدا م شوند ، زمین‌ها مال خودمان باشد ، اما حالا فتحعلی -

بقیه از صفحه ۷ شورا انقلابی ...

شعار ، افراد کمبینه و بسا ارا و فرما نندار را از زمین‌ها بیژن میکنند .

خوش‌نشینان روستای "جمی" بدنیال عمل انقلابی خود اطلاعیه‌ای صادر کرده و ضمن آن عمل انقلابی خود و علت آن را تشریح کرده و خواهان پشتیبانی مردم شدند . متن اطلاعیه چنین است :
اطلاعیه شورای خوش‌نشینان جمی :

ملت مبارز ، اهالی محترم نهرستان داراب ، دانش‌آموزان غیور :
ما خوش‌نشینهای تریه جمی که جزء محروم-ترین طبقه این جامعه‌ایس ما نده‌ار رژیم سنگین پهلوی می‌باشیم توجه شما را به جریانات و وضع این روستا جلب میکنیم ، برای اطلاع یافتن از وضع این روستا احتیاج به شناخت کامل این روستا می‌باشد . برای این منظور لازم میداند تیم که گزارش زیر را تقدیم داریم :

این روستا در ۸ کیلومتری داراب واقع شده است و دارای ۱۳۰ خانوار با جمعیت حدود ۱۷۰۰ نفر می‌باشد . و دارای ۱۸۰۰ هکتار زمین قابل کشت است که ۱۴۰۰ هکتار آن منطبق به مالک و ۴۰۰ هکتار دیگر منطبق به ۵۶ نفر از اهالی این روستا میباشد . بقیه مردم ایس روستا که عمده آنها در حدود ۱۲۰۰ نفر می‌باشد خوش‌نشین هستند (زمین ندارند) از این صد و بیست نفر ، ۲۰ نفر آنها بر روی ۱۴۰۰ هکتار زمین مالکی با ماهی ۱۰۰۰ تومان کار میکنند آیا این عادلانه است که ۵۶ نفر از دهقانان این روستا بر روی ۴۰۰ هکتار زمین کار کنند و مالکان ۱۴۰۰ هکتار زمین را که یک چهارم آنها هم زیر کشت نمی رود با ۲۰ نفر کشت کنند ؟ و ایس در شرایطی است که ۱۰۰ نفر از جوانان ایس روستا بر اثر اینکه راه کشورهای خلیج نشین بر روی آنها بسته شده ، سبک رند و کم‌نور احتیاج به هر چه بیشتر کشت کردن وسوی خود کفائی رشت دارد . ما در مدد بر آمدیم که قسمتی از زمینهای مالکان را که زیر کشت نمی‌رفت کشت کنیم تا هم کامی در راه خود کفائی کردن کشتا ورزی کنور برداشته‌باشیم و هم شغلی برای ما باشد که بتوانیم لقمه‌هایی بدست آوریم . ضمناً به

خان آزاد میگردد و ما مثل گذشته باید برای

دیگران زحمت بکشیم .
عده‌ای از جوانان محل نیز به جنا بتهای فتحعلی خان اشاره میکردند و از جمله اسامی از یک زن فاسد را می بردند که فتحعلی خان از طریق او عده‌ای از دختران را فریب داده و بدنا نشان کرده بود . یک عده دیگر اظهار میدادند که فتحعلی خان با افراد مسلح خود بوا هم دستهای زاندا رمزی محل ۶ نفر از اهالی را بقتل رسانده است .

★ ★ ★

کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما همگی میدانند که آزاد گذاشتن کسانی چون فتحعلی خان در حالی است که مبارزات کارگران و دهقانان بندت سرکوب میشود و هر کوه‌مدای حق طلبان‌های با مارک "فدا انقلابی" در گلو حلقه میشوند . و اینجا است که باید گفت آیا حکومت "مستضعفین" همین است ؟ آیا مبارزه‌ا "مستکبرین" همین است ؟! تفاوت را بجهده کارگران و دهقانان زحمتکش و ا - گذار می کنیم .

پشتیبانی فرد فرد شما احتیاج داریم .
" شورای خوش‌نشینهای جمی "

مرو دشت

در روستاهای مرودشت سراسر اکثریت زمین‌های زراعی در اختیار رفقو لایا و حاجیان می-باشد و در روستا ثانی بصورت روزمزد برای خوانین کار میکنند . از جمله در "بند امیر" در حدود ۴۰۰ هکتار زمین که قسمت اعظم رازا رضی این منطقه را نیز شامل میشود ، در اختیار رفقو لایا می-باشد و خونخوا رفقو لایا را در ، در مرودشت نیز نور ضدفقو لایا روستا ثانی را فرا گرفته است . دهقانان در روستای "گربال" زمینهای فئودال-لایا را تصرف نموده‌اند . اما این کام‌الولیت که برداشته شده ، نور ضدفقو لایا بصورت فوفان در میان دهقانان گسترش می‌یابد و می‌رود که دهقانان برای همیشه بندهای بسوی فئودالی را حدیاباره کنند .

شمسینی

همراه با او جکیبری مبارزات دهقانی در در این منطقه خوانین مرتجع دست به تها جم و حنیان‌های علیه بندهای مردم زده‌اند . در روز ۱۵ آذر خوانین مرتجع "دره‌نوری" که در رأس‌تان خسروخان شفا بی قرار در در منطقه "ماهور میلانی" مستقر شدند . در روز ۱۸ آذر در گیری مسلحانه بین خوانین و بندهای زحمتکش دره‌نوری شروع شد و در طی این مبارزات ، یکی از خوانین مزدور بنام "ابازخان" کشته شد .

★ ★ ★

در روز ۱۹ آذر بدعت دانش‌آموزان و ا - نسجویان عسارتظا هرات وسیعی جهت محکوم نمودن توطئه‌های کثیف و خائنه خوانین-مرتجع برپا شده و در میان نظا هرات قطعاً به-ای دایر بر محکوم نمودن اعمال خائنه خوانین خلع سلاح نام آنها و اعدا مسیلاب خان ، ناصر خان و خسروخان از سوی نظا هرگندگان خواننده شد . در طی نظا هرات مردم فیروزان عسارتظا دادن شعارهایی از قبیل : "آبادی ایازخان دشمن خویشوارما ، زمینهای خوانین بنفست مستضعفین تقسیم بایرگردد و ... " خشم و نفرت

بقیه از صفحه ۶ وظایف ...

ارتباط فعال این دولت‌ش نمود . از یکطرف باستی باکارتلفنی و ترویجی فعال در بین کلیه خلق-های زحمتکش ایران و بسویژه طبقه کارگر در جهت بردن خواستهای عادلانه خلق کرد و خشنی و افشا نمودن تبلیغات عوام‌فریبانه ارتجاع و وسیع‌ترین-اقتنار و طبقات زحمتکش را به پشتیبانی از مبارزات خلق کرد بسبب نموده و به حمایت فعال از آن مبارزات بیکشایم . از طرف دیگر با بستنی با کار فعال و آگاه‌ها در بین بندهای زحمت-کش خلق کرد و بدینا گسستنی مبارزات انقلابی آنها را با مبارزات دموکراتیک و فدا مبریا - لیستی سایر نقاط ایران توضیح داده و اینکه خواستهای اهداف زحمتکشان کلیه خلقهای ایران شنها در جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر است که بدست می آید .

۴ - کمونیستها و نیروهای انقلابی باید کوشش مستمری را در جهت افشای و منقرض نمودن جریانات سازشکار و وایسند که در زیر لوای حقوق ملی خلق کرد خود را بنیان نموده‌اند ، انجام بدهند و اجازه ندهند که خون توده‌های انقلابی خلق کرد و جدا لصلاحاً این جریانات بسرای بقدرت رسیدن و امتیاز گرفتن و مما سات بسا ارتجاع حاکم قرار بگیرد .

۵ - هما نظور که جلوتر گرفته شده است و اهداف واقعی توده‌های زحمتکش خلق کرد در توان این رژیم نیست که بتواند آنها را بر آورده کند بدین جهت باید نظا ریوروش وسیع و همه - جانبه رژیم را بعد از یک دوران تنفس بسرای سروسامان دادن به دفاع سیاسی ، نظامی خود را دست . بدین جهت تدارک سیاسی - تکنیکال و نظامی و اما دگی کامل برای مقابله با حمله مجدد ارتجاع و همچنین تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب کوشید .

بی‌باکان خود را از خوانین ابراز میدادند . اما خوانین در مقابل این خشم توده‌های مردم نمیتوانستند آرام بنشینند و طبق معمول از طریق مزدوران خود دست به تخریب و توطئه زدند . روز ۲۱ آذر همین مزدوران به کتا بفرود-تی "علم" حمله کرده و بسا از تخریب کتا بفرودی تمام وسایل موجود در کتا بفرودی ، حتی لوازم-التحریر را بسرفت بردند چرا که خوانین خوب تشخیص میدهند که آگاهی توده‌ها دشمن آنهاست .

فیروز آباد

"جای دست ، روستایی است که دره عکلیو - متری فیروزآباد در ارا دارد . در این روستا محمد حسین خان برادر خسروخان معروف الحال که ۸۰ هکتار از زمینهای دهقانان را بزور اسلحه غصب کرده است . محمد حسین خان در زورگویی و ستم برده‌ها ن نه تنها از دیگر فقو لایا عقب نیست ، بلکه با اعمال خود حتی گوی سبقت را سیر از دیگران رسوده است . ما میرده اخیراً ۷۵۰۰۰ کیلو بذر جهت کشت در زمینهای غصبی دهقانان تهیه نموده‌و با تمام نیرو سعی دارده‌ها ناسی را که بر علیه فقو لایا بپا خاسته‌اند ، سرکوب کند ، اما اگر دیگر برادران فئودال اوتوانسه اندیا زورگویی کاری از پیش ببردند ، و بسر خوا هفتوانست مبارزات فیروزان نه‌دهند - تا ن نشان میدهد که عمر فئودال‌ها بسرا مسدود و پیروزی از آن دهقانان است .

شعبه فرهنگ ۲

نیوهرخورد...

بورژوازی نشده، دست از مبارزات واقعاً ضد امپریالیستی خودبرندارند و در نهایت به سوی اهداف ارتجاعی هیئت حاکمه نشوند!

رفقای فدائی معتقدند، در حالی که بوده... های خرده بورژوازی و جناح سیاسی آن در هیئت حاکمه درگیر مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته لیبرالها (اصطلاح "بورژوازی وابسته لیبرالها" دیگر چه میانه جدیدی است، مائستی دانیم، ولی میتوان گفت که تقریباً همه چیز می توان از آن برداشت نمود) است، پرولتاریا با سیاست آزادی حمایت فعال و نامحدود کند، با بدید آید و واقعاً چنین چیزی درست است؟ و آیا موضع پرولتاریا در جریان "مبارزه جناح خرده بورژوازی مرفه در قدرت و مابیننده با نفوذ آن آیت الله خمینی با امپریالیسم آمریکا با بد موضع حمایت و پشتیبانی باشد؟

رقفا! مبارزه داریم تا مبارزه! مبارزه مسلحونیا که رگرودهقان و خرده بورژوازی شهری علیه امپریالیسم و در راه آن امپریالیسم آمریکا داریم، "مبارزه جناح های مختلف هیئت حاکمه بر سر چگونگی حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه سرکوب جنبش توده های هم داریم. ما در گذشته، هم با دمیازات قهرمانان نه توده های زحمتکش علیه امپریالیسم و رژیم وابسته ها خشن بودیم و هم "مبارزه" ها شناخته بورژوازی لیبرال با امپریالیسم بر سر تقسیم قدرت را چشم دیدیم.

آیا با دید پرولتاریا از مبارزات ضد امپریالیستی توده های زحمتکش خلق حمایت نماید؟ بدون تردید آری. پرولتاریا که خود بیست و هفتاد سال از نظر سیاسی و جناح نظری اقتصادی از مسئله وابستگی رنج می برد، می تواند در پیشاپیش مبارزه ضد امپریالیسم قرار گرفته و در این راه با حفظ تمام بر طبقاتی خود از رهبر مبارزه واقعاً ضد امپریالیستی، ولوجزئی و محدود با برافشار و طبقات خلقی نیز بطور جدی پشتیبانی نماید. لیکن آیا "مبارزه" جناح های مختلف هیئت حاکمه بر سر چگونگی حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه و چگونگی تحمیلی توده ها، به نحراف کسانیدن مبارزات ضد امپریالیستی آنها، با زیر گرفتن دستاوردهای انقلاب و سرکوب جنبش مردم و چگونگی توده ای قابل تأکید و پشتیبانی پرولتاریا می باشد؟ خیر! این مبارزه قابل تأکید پرولتاریا نیست! ما در این بر تحلیل های سازمانی خود از جمله در زمینه نشریه پیکار (۲۴) مضمون حرکت هیئت حاکمه، اهداف و عملگردهای اخیر آنرا مورد بررسی قرار داده ایم، لیکن در اینجا فقط قابل ذکر می دانیم که بنظر ما این حرکت، نه یک حرکت واقعاً ضد امپریالیستی، و نه یک حرکت مبارزه جویانه بر علیه بورژوازی وابسته بلکه یک تغییر تاکتیک، تحت فشار جنبش توده ای، و بر اساس تضادهای درونی هیئت حاکمه می باشد.

سیر حرکت شورای انقلاب و شخص آیت الله خمینی، بعد از قیام تا بحال تحت تحلیل بی لایه را روشن می نماید. طی ۵ ماه بعد از قیام، تا تلفیق شورای انقلاب در دولت، شورای انقلاب و آیت الله خمینی بمنوان دنباله سروران

بورژوازی و ارتجاع، در عین حال دارای عمل-کرد نسبی ضد امپریالیستی و مترقیانه بودند. (تشکیل دادگانه های انقلاب و محاکمه و اعدام تعدادی از اسرآن رژیم قبلی، برخی عملیات کمیته ها در دستگیری عناصر ضد انقلاب و...) اما این حرکات ضد امپریالیستی محدود شورای انقلاب و آیت الله خمینی طی دوره قبیل از تلفیق با دولت بتدریج کم رنگ تر و کم رنگ تر می گشت تا بالاخره در زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت، دیگر ما شاهد کوچکترین عملگردهای مترقیانه شورای انقلاب و شخص آیت الله خمینی نیستیم. طی این دوره قبیل از تلفیق وظیفه ما در کنار ارتجاعی مائستی با ارتجاعی شورای انقلاب و خمینی، حمایت مشروط از آنها بود. لیکن بعد از تلفیق شورای انقلاب و دولت، که مستقیماً نتیجه اس در سرکوب سیستماتیک و با سرنا مه خلقی کرد، حمله به تظاهرات مسالمت آمیز در راه بطلان توقیف روزنامه آیندهگان، توقیف نشریات مترقی، حمله

آنها، (ص ۲۴۹) رفقای فدائی و طرفداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر معتقدند که برای اینکه هیئت حاکمه، کارگران را به آمریکا بیرون متهم نکند، کارگران باید از آنها مواجعه و شیرین زبانه ها و اصطلاح مبارزه ضد امپریالیستی شان حمایت کنند! رفقای فدائی از این هراس دارند که کارگران نا آگاه را به آمریکا بیرون متهم نمایند، لیکن از این هراس ندارند که خود، پرولتاریا را تبدیل به زان شده بورژوازی نمایند! شما چه میخواهید و چه میخواهید، عمل شما به این منتهی میشود. رفقا معتقدند که دور کردن و بردن مترسکان بیگانه کاریگران نسبت به سیاست (همان سیاستهای هیئت حاکمه؟!)" بدبینی توده خرده بورژوازی و توده کارگران را (کارگران نا آگاه) در راه از دست زده و در نتیجه وحدت این متحد طبقه کارگر در مبارزه ضد امپریالیستی را متزلزل ترمی سازد.

رقفا! همان بهتر که ما از پرولتاریا

رفقای عزیز کارگران ما، ما هاست که مبارزه ضد امپریالیستی می کنند. لیکن با این وجود، باز هم آنها را متهم به آمریکائی بودن می کنند تا مبارزات ضد امپریالیستی شان را در تلفیق خفه کنند. مسلم است که اگر کارگران دنباله رو سیاست هیئت حاکمه شوند و از مبارزه واقعاً ضد امپریالیستی دست بردارند، هیچوقت به آمریکائی بودن هم متهم نمی شوند!

با خرده بورژوازی حول سیاستهای هیئت حاکمه متزلزل نشود! همان بهتر که پرولتاریا با دور کردن و بردن بیگانه نکی خود نسبت به سیاستهای هیئت حاکمه، خرده بورژوازی توهم زده را از خواب بیدار کرده، بطرف خود بکشانند! رفق! شما بدشال خرده بورژوازی توهم زده افتاده، از وضوح بدبینی خرده بورژوازی نسبت به حرکت مستقل پرولتاریا، پرولتاریا را در دنیا له و رسوا ستی آن می کردید. آری، این است سیاست هواداران "آگاه" طبقه کارگر! شما برای اینکه وحدت (یا سازش) توده های کارگران را توده های خرده بورژوازی ممکن کرده اند، سیاستهای مستقل پرولتاریا را به سطح توهم خرده بورژوازی تنزل می دهید! این است جان کلام شما، اگر نیروی ضد انقلاب در میهن ما در توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه نهفته است، و اگر فقط یک سیاست واقعاً مستقل و بدور از هرگونه تنزل پرولتاریا است که می تواند توهم خرده بورژوازی را نسبت به رژیم ضد خلقی نکسته، با یکاه ارتجاع را محسود و شکننده نماید، پس پیش بسوی اجرای این سیاست! پیش بسوی بیدار کردن توده های خرده بورژوازی و وحدت پرولتاریا و خرده بورژوازی، بر اساس برنا مه حداقل پرولتاری!

به این ترتیب، هنگامیکه رفقای فدائی از "بیگانه شدن کارگران نسبت به سیاست" توسط مادمینز، این "سیاست" را با سیاست سیاسی بورژوازی دانست و نه سیاستی پرولتاریا، و هنگامیکه این رفقا از دور کردن کارگران از مبارزه ضد امپریالیستی جاری توسط مادمی - زنده، این مبارزه "ضد امپریالیستی" جاری را با سیاست مائستی از هیئت حاکمه، تحت فشار توده ای و بر اساس تضادهای درونی هیئت حاکمه دانست و نه یک مبارزه ضد امپریالیستی واقعی!

بعد از زمانهای انقلابی و... انعکاس یافت، و طبقه ما نه حمایت حتی مشروط از شورای انقلاب و خمینی، بلکه طرد و افسان آنها به عنوان "ضد انقلاب" می باشد. بعد از طبقه بروی تبلیغ شورای انقلاب در دولت، برخورد دوگانه با شورای انقلاب و خمینی، نه فقط عدم درک ما را از ماهیت حرکت طبقات مختلف جامعه و ناسمندی حاکم بر آن می رساند، بلکه عملاً نشان می دهد که دچار راه مائستی نسبت به حرکت طبقات مختلف شده، قادر به تعیین وظایف خود (پرولتاریا) نسبت به حرکات این طبقات مختلف نیستیم.

آیا حرکت اخیر هیئت حاکمه را چه عواملی تعیین می نمایند؟ آیا شورای انقلاب کسه دستش تا ارتجاع بخون پاک خلقها، کارگران و دهقانان ما آغشته شده، بیکیا راه انقلابی شده است؟ آیا آیت الله خمینی که طی ۹ ماهه اخیر مستقیماً و صریحاً بر سرکوب جنبش کارگری توده ای امر کرده بود، ناگهان خدا مهربان نیست می شود؟ خیر رفق! این تغییرات نه در مائستی و نوعیت، بلکه در دنیای ذهن شما حاصل شده است. حرکت اخیر، تحت فشار جنبش اوچکپزنده توده ای و تلاش مدیوچانه هیئت حاکمه در به انحراف کسانیدن این جنبش، و بر اساس تضادهای درونی آنها شکل می گیرد. این جناحها علیرغم تضادهای درونی شان، در سرکوب جنبش توده ای، دارای وحدت کامل میباشند. اگر آیت الله خمینی واقعاً ضد امپریالیست بود (حتی بطور محدود، مشروط و...) از کوچکترین حرکت واقعاً ضد امپریالیستی کارگران و دهقانان و سایر توده های زحمتکش خلق مائستیانی حمایت میکرد! "برای مبارزه واقعی بر ضد سلطنت تزاری، برای تأمین واقعی آزادی که فقط در گرفتن رونق منحصر به مواجعه و شیرین زبانه های میلیوکف و کرسکی میباشد، دولت جدید باید از کارگران "پشتیبانی کند" نه کارگران از دولت جدید!" (لنین، منتخب



به این ترتیب رهنمودی که رفقای فدائی به کارگران می دهند، نتیجه ای جز تسلیم بی پروا و بی اختیار با زنده سوز و آبی و تسلیم شدن در برابر سیاستها و مواضع هیئت حاکمه نخواهد داشت. هواداران واقعاً آگاه طبقه کارگر وظیفه دارند همواره مدافع سیاست مستقل بی پروا و ریاکاری بوده و فعالیت تبلیغی و ترویجی خود را مبتنی بر حفظ این استقلال و تمامیت طبقاتی بی پروا و ریا و درک مصالح واقعی طبقات دیگر و پیشینیه های مشروط از آنها قرار دهند.

واقعاً جای تاسف بسیار است که در شرایطی که کارگران و سایر طبقه های مردم، مبارزات خود را بر علیه امپریالیسم، انحسارات امپریالیستی و سرمایه داری وابسته در ایران شدت بخشیده اند، درست در شرایطی که "معین فسر" وزیر نفت رژیم جمهوری اسلامی بناچار (و مدال بسته که این اقرار برای لایوشناسی سازشکار ریه ها و خیانت های بی شمار است که بحال این رژیم مرتکب آن شده است) به خواستها و تمایلات کارگران مبارز شرکت های حفاری سدکو و... مبنی بر ملی کردن این شرکت ها تن در می دهد و بالاخره در شرایطی که نفت کاران روزمنده و دلبر شرکت های وابسته نفتی لاپکو، بان آمریکن، ریمنیکو، سو - فیان و سیریب و معادن سرمایه های امپریالیستی آنها شدند... رفقای فدائی این دوستداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر، کارگران را به دنباله روی از سیاستهای بورژوازی و فداکاریهای هیئت حاکمه می کشانند. اگر منظور ما از مبارزه سیاسی فداکاری نیستی اینست، در چنین صورتی هیچگاه نباید نگران سیاستی کارگران بیکار را از این سیاست ویران کرد. ما می بینیم که این سیاستی خود را بنا می نهد و این سیاستی که کارگران بیکار را از چنین سیاستی (سیاست مبارزه فداکاری امپریالیستی خرد بورژوازی حاکم) هرجه بردوام تر سازد!

★ ★ ★

پیرامون چگونگی "سیاسی کردن" مبارزه صنفی کارگران توسط هواداران به اصطلاح آگاه طبقه کارگر

در بحث قبل، درباره مضمون سیاست و چگونگی به سازش کشیدن بی پروا و ریا با خرد بورژوازی و بورژوازی توسط این رفقا صحبت کردیم. روشن است که این مضمون در تائید و ترویج مبارزه تاشیرگذاشته و نمی تواند در این زمینه نیز موجب اختلاف نشود.

در این باره بطور مشخص میتوان به تظاهرات و تظاهرات کوتاه مدت کارگران بیکار در روز ۲۱ آبان ماه اشاره نمود. رفقای فدائی مدعی آنند که: "اکنون میست-های خط ۳ و در راه آن بیکار، فقط برخاستند اقتصاد کارگران تا کید میگردند و برای این کار حاضر بودند (همچنانکه با آن موافقت کردند) صرف نظر از آنکه جو عمومی مبارزاتی جامعه در جدیستی سیر می کند، کارگران را به تخطی بی-موقع و طولانی بکشاند".

برای آنکه خواننده بهتر به درک قضا بیا نایل شود، ما نیز بریم توضیحات هر چند طولانی بیرون تظاهرات کارگران، علت آن و چگونگی پیشرفت آن بدیم.

همانطور که این رفقا خود می گویند: "روز ۲۱ آبان نما بینندگان تصمیم می گیرند که برای شنیدن جواب خود (بیرامون سه خواست اصلی) به وزارت کار بروند" (برای نتایج است... بی-کاران در جریان راهی میمانند خوبین شمارهای زیر را می دادند: "به گفته بارزگان، کارگران بیکار بر ضد انقلابند" و...)

همین جا قابل ذکر است که رفقای فدائی عمدتاً از ذکر شعارهای "آمریکا، ارتجاع نابود است خلق ما پیروز است" و "آمریکا، ارتجاع دشمنان خلق ما" و... طفره رفته اند!

در مورد داداشن کارگران به تخطی بی-موقع و طولانی مدت و بدون توجه به جو عمومی مبارزاتی جامعه، باید بگوئیم که اختلاف ما و رفقای فدائی در مورد تخطی بی-موقع (در مورد طولانی بودن تخطی بعد از توضیح میدهم) اما ما برمی گردیم به نحوه ارزیابی ما از همان چیزی که رفقا تحت عنوان "جو عمومی مبارزاتی جامعه" از آن یاد کرده اند. بسیار روشن است که رفقای فدائی، با توجه به ارزیابی و تحلیل سیاسی خود از جریانات اخیر (اشغال سفارت و سقوط بارزگان و...) و تکیه روی مواضع فداکاری امپریالیستی جناح خرد بورژوازی حاکم و در همین رابطه ضرورت پیشینیه های از اقدامات این جناح "در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها" منطقی با هم هما نظر کرده اند. آنها ره کرده اند "انتظار برای فعال و از این محدود پروتلا را را در این نبرد" و از این اقدامات دانسته و از بی پروا و نما بینندگان سیاسی آن بخوابند که در چنین شرایطی از انجام هرگونه تخطی خودداری کرده و منتظر ایستادن مبارزه فداکاری امپریالیستی حمایت کنند.

و اما همانطور که قبلاً اشاره کردیم، تحلیل و ارزیابی سیاسی ما از وقایع اخیر از ریشه های این رفقا در تفاسیر و بی زعمیست حرکت اخیر جریزی حریک هم آوازی و هماهنگی ظاهری از سوی بخشی از هیئت حاکمه (خرد بورژوازی مرفه سنتی) با مبارزات امپریالیستی توده ها سیوده و نوعی عقب نشینی حساب شده برای حفظ و تثبیت قدرت سیاسی این بخش و در عین حال کل هیئت حاکمه می باشد. ما چنین ارزیابی ای از طرف ما هیچگونه دلیلی برای جلوگیری از تخطی کارگران بیکار وجود نخواهد داشت و ما وظیفه داریم که در خلال همین اعطایات و تخطی ها نیز راه واقعی مبارزه بر علیه امپریالیسم را نشان دهیم. و در همین رابطه ریاکاری، تزویر و خیانت هیئت حاکمه را نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه از آن بیشتر در زمینه سیاسی نیز به توده ها خاطر نشان سازیم.

اما در مورد خود تخطی، جریان امر را این قرار است که نمایندگان کارگران بیکار طبق قرار قبلی، تصدداً تشدیداً بقابل وزارت کار تجمع کرده، بعد از بررسی شرایط نسبت به ورود به وزارت کار تصمیم بگیرند. چرا که بنا به گفته خود رفقای فدائی، کارگران بیکار برای گرفتن جواب از مسئولین شورای انقلاب به آنجا آمده بودند، لیکن هنگامیکه سبیل تظاهرات کنندگان به وزارت کار نزدیک شد، کنستابل

تظاهرات از دست انتظامات و نما بینندگان بیرون رفت و کارگران بی اختیار از زنده ها بالا رفته و بداخل وزارت کار هجوم بردند و به این ترتیب عقب نشینی توده مبارزان را می توانستند به یاسد را را موجب شدند.

کارگران در وزارت کار متخصص شدند و نمایندگان خود را برای اخذ جواب از مسئولین وزارت کار و تماس با "شورای انقلاب" فرستادند. طی مدتی که نمایندگان به بحث بیرون خواست - های کارگران می پرداختند، و تا زمانیکه جواب شورای انقلاب به کارگران برسد، کارگران و روشنفکران آگاه از زنده میکروفون، به بحث بیرون مواضع جامعه، سیاستهای هیئت حاکمه، پیچیده بودن سیاست امپریالیست و اشغال سفارت، درباره مضمون واقعی مبارزه ضد امپریالیستی و آن چیزی که در حرف هیئت حاکمه انجام میدهد، بیرون خواستهای صنفی سیاسی کارگران، در درون آن و عدم پیوسته اوضاع اقتصادی کارگران بعد از قیام، مسئله بیکاری و ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر و... می پرداختند. تخطی تا عصر امروز ادامه می یابد و سپس بعد از آنکه جواب شورای انقلاب رسید (واقعاً است که جز وعده وعید چیزی دیگری نمی توانست باشد) کارگران تصمیم گرفتند دوباره در خانه کارگر تجمع نمایند.

تذکر این نکته نیز در اینجا لازم است که علیرغم تظاهرات گواهی های رفقای فدائی در مورد توافق بیرون خط سیاسی - تشکیلاتی نسبت به انجام تخطی در زنده تا آنجا که ما اطلاع داریم هیچ کس (جز بیروان گروه اشرف دهقانی) تخطی بی-موقع و طولانی را پیشنهاد نکرده و با آن موافقت نداشتند. تخطی در زنده تنها از جانب این گروه پیشنهاد شده که مورد مخالفت همه قرار گرفت (در همینجا باید به این نکته اشاره کنیم که مخالفت بیروان خط سیاسی - تشکیلاتی با بیروان این گروه و حرکت آنها ریشته آنها محدود به همین مورد نبوده و سایر موارد از جمله حرکات آنها ریشته آنها در درون تخطی را نظیر نوشتن شعارها و تکیه در محفل تخطی و... نیز شامل میگردند) لیکن ارزیابی های مختلف، بیروان خط سیاسی - تشکیلاتی در عین حال که با تخطی در زنده مخالفت بودند (چرا که اولاً تخطی به این شیوه مبارزه نبوده، ثانیاً مکان حفظ و تداوم تخطی بدلیل جو عمومی چنین بوده احتمال زیاد حمله ارتجاع به تخطی کنندگان وجود داشت) با تخطی کوتاه مدت (تا عصر روز ۲۱ آبان) موافق بودند تا طی این جریان بتوانند پاسخ خود را حتی - المقدور از شورای انقلاب دریافت کنند (بنا به گفته مسئولین وزارت کار، شورای انقلاب می-باید با تخطی در خواستهای کارگران را در آنروز میداد) این تخطی کوتاه مدت برخلاف تصورات رفقای فدائی که همواره کوشش دارند، آنرا آلترناتیوی در برابر مبارزه فداکاری امپریالیستی جلوه دهند، در عین حال که روی خواستهای صنفی تکیه و با فشاری داشت، بیچون و در مقابل مبارزه فداکاری امپریالیستی قرار نمیگرفت و همان طور که توضیح دادیم افکار کپیهای سیاسی بیرون - ان خط سیاسی - تشکیلاتی چه در جریان راه بیماشی وجه در حین تخطی همراه ما مضمون



برولسا ریاضی و نه بورژوازی جای بسیار مهمی داشت .

لیکن رفقای فدائی راه حل دیگری برای کارگران بیکار را ارائه داده اند :

" سیاست اصولی در این مورد این بود که کارگران بیکار می بایستی ضمن راهیمنائی بوزارت کار ، مبارزه با امپریالیسم و مبارزه برای تامین کار را در شعارهای خویش و شیوه اصولی تلفیق کرده و چکیده نما بسندویس از رسیدن بوزارت کار و خواندن قطعه نهای حاوی تلفیق ذکر شده ، راهیمنائی خویش را بسمت سفارت آمریکا ادامه میدادند و در مقابل سفارت قطعه نهای مادی منکی بر ضرورت شرکت عملی کارگران بویژه کارگران بیکار در مبارزه فدا امپریالیستی بوده ها و ضرورت مبارزه برای حقوق از دست رفته بیکار را در می نمودند ."

مسلماً نه تنها مضمون حرکت این رفقا مردود است ، بلکه شیوه برخورد آنان با مبارزات کارگران نیز از نظر مابعدی از اشکال نیست ، کارگران برای گرفتن جواب خود از شورای انقلاب اقدام به رفتن به وزارت کار ننموده اند ، رفقا یکبار به این خواست کارگران را فراموش کرده ، بدون پاسخ منحنی دادن به این خواست ، آنها را به جلوی سفارت میکشاندند! تا لایدا جناح خورده - بورژوازی هیئت حاکمه پشتیبانی کنند .

همان کارگران بزرگ شما آگاهان ، باید در عمل به پیبوده بودن وعده وعیدهای شورای انقلاب ، برسد و وظیفه ما انشای رژیم و اهداف فدا انقلابی آن و بریدن آگاهی دمکراتیک و سوسیالیستی به میان کارگران است ، لیکن

سما بجای انشای هیئت حاکمه در این مسیر (و نه الزاماً فقط در این مسیر) کارگران را به نائید فدا انقلاب میکشاند .

روشن است که ما از مورد منحنی و برخورد منحنی صحبت میکنیم . نظرات بپیرامون نائید مبارزات فدا امپریالیستی بوده ها و شرکت عملی کارگران در مبارزات فدا امپریالیستی لازمست و بسیار هم لازم است ، (هما نظور که چند روز بعد از طرف کارگران بیکار انجام گرفت و موضوع جویان سیاسی - تشکیلاتی روشنتر از همه بود) لیکن در اینجا مبارزات کارگران و تجربه خود آنان را در نظر گرفتن ، همان امری است که شما انجام میدهید! " و اما برای اینکه واقعاً تمام طبقه و توده های وسیع زحمتکش و تحت ستم سرمایه چنین خط مشی ای را بپذیرند ، تنها تبلیغ و ترویج کافی نیست ، برای این کسار تجربه سیاسی خود این توده ها لازم است " (لنین) و تجربه سیاسی خود این توده های کارگر در جریان نظرات و تحسن ۲۱ آبانماه ، جزیی از این تجربه است که نمیتوان آنرا در نظر نگرفت و از روی آن گذشت .

زمینه عظیم مبارزات اقتصادی طبقه کارگر فقط یکی از ابزارهای ماجهت بسردن آگاهی سیاسی بدرون طبقه و انشای هیئت حاکمه و تبلیغ و ترویج سوسیالیسم است ، لیکن همین را در نظر نگرفتن ، همان کاریست که رفقای فدائی میکنند ، (در باره مسازات سیاسی آنها هم که قبلاً توضیح دادیم و دیدیم که از چه مضمون و محتوایی برخوردار بود) . این مورد و موارد دیگری از این قبیل ، نشان دهنده بینش غیر توده ای از شیوه مبارزه

بقیه از صفحه ۲

یزدی ...

قدرت را نیز خدشه دار می سازد . تضادهائی که جناح خورده بورژوازی هیئت حاکمه با بورژوازی لیبرال و وابسته دارد که البته وجود این تضادها را نمیتوان انکار کرد . نباید موجب شود که سرعمومی حرکت هیئت حاکمه در برابر خلق فراموش گردد . اختلافات میان این جناحها بخصوص بر سر حفظ سلطه مستقیم و همه جا نیاید امپریالیسم آمریکا که سیاست بورژوازی و وابسته لیبرال است و با تمایلات جناح خورده - بورژوازی بقدرت رسیده کلاً ملاً وفق نمیدهد ، وقتی در رودروائی با مواضع انقلابی و سالیس نا پذیر توده های مردم قرار می گیرد و موقعیت کل هیئت حاکمه بخاطر می افتد ، بسیار کم رنگ و ضعیف می شود تا جائیکه خورده بورژوازی بقدرت بنا بر ما هیئت سازشکارانه اش مجبور به پذیرش طرحها و برنامهای این خائنین نیز میگردد . نمونه این انعطاف و سرنش را میتوان در قبول طرح و برنامه یزدی در مورد گروگانها از طرف آیت الله خمینی دید . اخیراً یزدی مطرح کرده است : " در صورت خارج شدن شاه از آمریکا به عقیده من باید ۵۰ گروگان آمریکا را با ما کنیم ، ولی هدف ما نباید محاکمه شخصی این ۵۰ تن باشد چون در این صورت شکست میخوریم (!) بلکه باید هدف محاکمه آمریکا باشد ... " (کیهان ۲۰ آذرماه) .

اکنون که حتی مرتجعترین لیبرالها و وابستگان به امپریالیسم نیز مجبور شده اند آمریکا را به ما دمله بگیرند و این خود نشان دهنده با عظیم مبارزات فدا امپریالیستی مردم است - یزدی نیز رنگ عوض میکند و با اظهار اینکه هدف باید محاکمه آمریکا باشد از برخورد عملی و قاطع با مسئله گروگانها فرامیگردد . چرا که از نظر او محاکمه گروگانها و بطور کلی کمترین اقدام قاطع علیه این جاسوسان و مزدوران امپریالیسم منجر به شکست خواهد شد ، و شکست نیز از دید با نشان چیزی نیست جز لطمه خوردن منافع امپریالیسم و سیستم سرمایه - داری و وابسته حاکم بر ایران . از نظر آقای یزدی محاکمه آمریکا ، یعنی تشکیل یک دادگاه فرمالیته ، چند نطق و خطابه علیه جنایات آمریکا در ایران ، رای به محکومیت آمریکا و دیگر هیچ ! این تمام مبارزات امپریالیسم یزدی و یزدی ها می خواهند با امپریالیسم آمریکا بنمایند ، که در شرایط کنونی جنبش در بجهت مبارزات عمیقاً فدا امپریالیستی مردم با بدگفت که این نه مبارزه ، بلکه عوام فریبی محض است . یعنی با مستالی کردن خواسته های انقلابی مردم بنحوی که نه سیخ بسوزد و نه کباب ، نه آمریکا لطمه زاید ببیند و نه هیئت حاکمه ، قال قضیه هر طور شده کهنه شود ، مردم مبارزه با امپریالیسم را نه در حرف بلکه در اقدامات عملی و قاطع می خواهند ، آنها همیشه از همان

زمان که فدا میزدند : بعد از شاه توست آمریکا است ، خواه سدا ندقرا ردا های نظامی با آمریکا و تمام امپریالیستهای دیگر بیدرنگ افتاد و لغو گردد ، صنایع وابسته فوراً بست و اقتصاد ملی شده و سرمایه های امپریالیستی و وابسته مصادره گردد ، دست سرمایه داران چپا ول - کرخا رچی و وابسته های کلی از اقتصاد مملکت کوتاه شود ، به بهره کشی ، فقر و بیکاری و سرکوب مبارزات توده ها خاتمه داده شود ، با تشکیل شوراهای کارگری ، دهقانی و دیگر شوراهای خلقی امور مملکت با مشارکت وسیع ، فیکال و

● " یزدی این سرسپرده سیاستهای امپریالیستی ما مورسیدگی بخواسته های مردم میشود تا احتمالاً با یکسری اصلاحات - اصلاحات تاجائی که برای رژیم امکان داشته باشد - محبوبیتی دست و پا کند ."

همه جا نه مردم ادا ره کردند و ... و امروز خائینی چون یزدی بیشترا نه جرات میکنند و باران سه طرحها و برنامه های " ابتکار ری " ، در خلال سخنان دیپلماتیک خود قمدان دارند که هر چه زودتر امپریالیسم را از این سنگنا نجات دهند . مسلماً اکنون اینها دیگر نمی توانند به شیوه گذشته منافع اربابان خود را حفظ کنند ، امروز دیگر وضعیت است که این خائنین هم صحبت از محاکمه امپریالیسم میکنند ولی محاکمه آمریکا بطور کلی و بدون اقدامات عملی و وسیله خوبی است برای آنکه ما زنها و تسلیم طلبی های هیئت حاکمه بوسیله ما نبند . آخر امروز کیست که از مبارزه با آمریکا حرف نزند ، اما جناب یزدی و امثالهم با تمام مزرنگی های شان کور خوانده اند . عمر فرمیس و شیوه های اصلاح طلبانه این آقایان زمانی دراز است که به پایان رسیده ، هما نگونه که بختیاری روشهای با رلمانتاریستی و اصلاحاتش از طرف مردم به سرعت و با قاطعیت را نه شده ، اینان نیز در با زود چنین سرنوشتی خواهد داشت (همچنانکه تا کنون نیز اعتبارشان را به میزان زیادی از دست داده اند) یزدی ها و چمران ها امروز از این نائس و فرصت طلبانی برخوردارند که حمایت خمینی بهمراه آنهاست . ولی نه خواسته های عمیقاً فدا امپریالیستی مردم آنقدر آنگی است که اجازه دهد این ممالحه ها و زودبندها بر سرنوشت و حیات یک ملت ادا مه پیدا کند و نه اینان دیگر قدرتی در چینه دارند که بتوانند بهر نحو شده با کسب حمایت از رهبران با نفوذ مذهبی ... سیاستهای خود را بر مردم تحمیل کنند . مبارزات توده ها در میان انقلابی در حرف و انقلابی در عمل را روشن میکنند و در با زودشا هدرا نه شدن یزدی هم ز صحنه عمل و به طور کامل خواهیم بود و این سرنوشت گریز ناپذیر همه خائنین به انقلاب ، همه مرتجعین و همه سازشکاران است .

فدائی در جریان تحسن محدود روز ۲۱ آبان حتی یکبار هم بر ضرورت راهیمنائی تا کید نکردند! و آنچه را که در مقاله مورد بحث متذکر شده اند صرفاً مسائلی است که بعد از پایان تحصن موفقیت آمیز ۲۱ آبان کارگران بیکار در وزارت کار بدان دست یافته اند !

رفقای فدائی است ، اگر در سیاست دچار دنیا له روی و راست روی میشوند ، در عمل دچار حرکت غیر توده ای میگردند ، این است شیوه " سیاسی کردن " مبارزات کارگران توسط هسواداران با ملاحظ آگاه طبقه کارگر!

در خاتمه لازم است توجه داده شود که رفقای



بقیه از صفحه ۱

تا میوه و میکوشید آنها را "پاک و" "انقلابی" معرفی کند،

"مدتی است که مطالعی درباره آقایان همکاران مستقیم و درجه اول من آقایان معا و... نین نخست وزیر را هانداخته اند. من بطور صریح میگویم افراد دشمن خسته شده ای مطمئن ترو مناسب - ترا زوپا کترا زاین سه نفر یعنی دکتری بزدی ، مهندس صباغیان و مهندس امیرانتظام من اگر پیدا کرده بودم آنها را بعنوان معاونت در نخست وزیری می آوردم ." (آیندگان - ۲۶ فروردین ماه ۵۸)

دره آورا اینجا است که در حالیکه امیرانتظام خود سرگرم جاسوسی بود در زمینه فشاگریهای انقلابیون پیرامون قطب زاده ، یزیدی و خودش با کمال بیشرمی به خبرنگارها مدام میگوید: "عنا مرصدا انقلاب چون قاندر نیستند رودرو با انقلاب مبارزه کنند ، سعی دارن در روحیه مردم را با برآکندن شایعات بی اساس تضعیف کرده ، افراد انقلابی را متهم ... به وابستگی بسره آمریکا و سازمانهای جاسوسی میکنند ." (با مدام دوشنبه ۱۷ اردیبهشت)

امیرانتظام در تمام طول مدت بلبل رباتیش ، جز کلی گوئی ، دروغگوئی ویا وده سرا - ثی کاری نکرد ، وی برای فریب مردمی که مصرانه خواستار لغو و افشای قرارداد های اسارت آورا میرا لیستی بودند در شوهر های تلویزیونی بیرونده های تظویرا زانداها را مردم نشان میداد و میگفت: برای بررسی این همه قرارداد وقت لازم است ، او همچنین بی - برنامه اظهار میداشت که میخواهد این قرار - دادها را با وکلای آمریکا ثی مطالعه کند!!

در همین رابطه ما در پیکار شماره ۴) ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۸) نوشتیم: "با یاداز ... امیرانتظام ، این سرمایه را وابسته بر سید که آبا برای لغو این قراردادها سه ماه وقت و مط - لعه با وکلای آمریکا ثی تان لازم بود ؟!"

از آنجا که بسیاری دیگر از دوستان "پاک" آقای بازرگان و یاران وفادار را میرا لیسم آمریکا همچنان در ارگانها و سازمانهای دولتی حضور دارند و این مزدوران همگی شبیه بهم به زحمتکشان و نیروهای انقلابی حمله میکنند و حقایق را وارونه جلوه میدهند ، برای شناختن بیشتر آنها ، گوشه های از مباحثه و اظهار نظرها ی امیرانتظام را نقل میکنیم :

وی درباره خودش میگوید: "... به کار آزا دپراد ختم ویا ایجاد یک شرکت کوچک ساختمانی و تجارثی که با خصوصیات اخلاقی من وفق میداد گذران کردم ، البته در این مدت به ۶۴ کشور جهان مسافرت کردم ." (با مدام دوشنبه ۱۷ اردیبهشت) این شرکت کوچک که آقای امیرانتظام با "هزار ری بختی" از قبیل آن "نان بخور و نمیری" درمی آورند و به ۶۴ کشور جهان مسافرت میکنند ، شرکت پلانینگ است که نمایندگی ۱۰ کمپانی آمریکا ثی را در ایران برعهده دارد!

بعد از قیام زمانیکه مردم ما میکوشیدند در هر قسمت افراد مترقی و قابل اعتماد را با انتخاب خود در رأس کارها بگذارند ، تا دست عوامل مزدور و وابسته به امیرا لیسم کوتاه کرد ، امیرانتظام ما ننده دیگر همیا لکبها بسن کسند توزانه حمله کرده و میگوید: "این ایده که

با بیستی موسسات ، کارخانجات و سازمانهای مختلف روسا را خودشان انتخاب کنند ، مخصوصاً در ارتش غیرممکن است و شما م کشورها ثی کسه ما (منظور موجودات حاسوس و وابسته به امیرا لیسم) آنها را بصورت کشوری با دمکراسی واقعی میشناسیم (لابد ما ننده آمریکا!!) ، این اجازه به آنها داده نمیشود .

(آیندگان - ۹ اسفند ۵۷) و در جای دیگر در همین مورد میگوید: "عده ای با این عنوان که چون کارگر کارخانه هستند میگویند با بیستی در سر نوشت کارخانه دخالت کنند ، با ایده هیئت مدیره کارخانه را خودشان انتخاب کنند که عملی است غلط ..."

این عمل را دولت یک عمل ضد انقلابی تلقی میکند و مجازات برای این افراد قائل خواهد شد. " (آیندگان - شنبه ۲۶ اسفند) ویا: "جه در تهران و چه در شهرستانها ، گروه - هائی هستند که با شاعه این ایده در کارخانجات ویا تنگها و ادارات مختلف که آنها با بسد رئیسشان را خودشان انتخاب کنند ، ایجا دا غفال میکنند ." (آیندگان - ۹ اسفند ۵۷)

امیرانتظام این سخنگوی خائن و همواره دروغگوی دولت بازرگان در برابر اعمال اعتراضی کارگران و زحمتکشان بشرایط سخت زندگی شان میگوید: "دولت برای مبارزه با افراد ضد انقلاب واخلالگران در کارهای تولیدی ساکت نخواهد بود و در حال حاضر گروهی از این افراد از جمله یک استاد دانشگاه و چند دانشجو که در دوره پرخانه با پرداخت ۱۲۰ تومان به کارگران از کار آنها جلوگیری میکردند با زداشت شده اند که دادگاه انقلاب مشغول رسیدگی به پرونده های آنان است . (با مدام - دوشنبه ۱۷ اردیبهشت)

امیرانتظام در این مباحثه ادعا کرده که بزودی نام او اسناد و وابستگیهای این عده اعلام میشود ، اما پس از گذشت بیش از ۸ ماه اگرچه از آنها خبری نشد ولی اسناد وابستگی و جاسوسی خودش منتشر شد !!

وی در حالیکه عناصرتترقی و انقلابی را ضد انقلابی معرفی میکند ، در پاسخ خبرنگاری که میپرسد: آنچه مسلم است تیمسار سرلشکر قره نسی تقریباً عمال اصلی کشتار مردم بی دفاع کردستان عنوان شده است ، آیا دولت در مسوورد شائسائی و معرفی عاملین کشتار را خیر کردستان اندامی خواهد کرد ؟ میگوید: "من متاسفم که شما از تیمسار قره نسی که یکی از دوستان و همکاران باارزش ما بودند به اینصورت نام بردید و من جداً این موضوع را تکذیب میکنم " (آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین ۵۸)

امیرانتظام درباره دعوت به کار مجدد کارشناسان خارجی میگوید: "آنچه مسلم است اینست که مدت زمان زیادی لازم است که ایران از وجود کارشناسان فنی بی نیاز باشد ، به همین جهت بجز مردانی که دولت سازندگی را آغاز کنند ، از این قبیل کارشناسان کمک گرفته خواهد شد " (آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین)

ملاحظه می کنید که ایشان با چه عجله ای باز گشت کارشناسان خارجی (منظورشان همان جا سوسان و مستشاران آمریکائی است) را انتظار میکشند!

وقتی امیرانتظام با زگشت کارشناسان خارجی اسرکوب کارگران مبارز و نیروهای

انقلابی را زیر نام ضد انقلاب ضروری میدانند ، طبیعی است که با زسازی ساواک را که یکی از ارگانهای سرکوب است ، در دستور کار خود قرار دهند! وی در این مورد میگوید: "این سازمان وسائل و دستگاههای معطنی دارد که میلیونها دلار ارزش دارد ... از آنها میشود برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی استفاده کرد. " (آیندگان - شنبه ۱۱ فروردین ۵۸)

وقتی جاسوسها و عوامل وابسته به امیرا لیسم خود در رأس ارگانها و سازمانهای دولتی باشند ، با زسازی ساواک به بیانه کنترل جاسوسان جزیرای سرکوب نیروهای انقلابی معنی دیگری میتوانند داشته باشند!؟

هموطنان مبارز! گفته های امیرانتظام را در مورد کارگران نیروهای انقلابی ، عناصرا ضد انقلابی ، با زسازی ساواک و ... با گفته های افرادی چون مدنی ها ، یزدیها ، چمرانها ، شاکرها ، و بهشتی ها و ... مقایسه کنید ، در بسیاری موارد آنها را شبیه بهمی می یابید! زیرا اینها همه ، بهره های سیستمی هستند که برای ترمیم زخم های که امیرا لیسم در جریان قیام قیبرما - نانه بهمن ماه برداشته کوشش میکنند . اینها همه تلاش میکنند تا بندهای تل شده دست و پای زحمتکشان میهنمان را دوباره محکم کنند و گرنه بیجهت نیست که آقای بازرگان بیس از آنهمه خیانت و بیجهت گرفتن خوشبختی بساک شهیدان دوبا رده دشواری انقلاب ظالمی - شود و کمتر بزیدی ما مورسیدگی بسکایات مردم میگردد!

بکوشیم دستهای توطئه گران خائنین بخلتهای میهنمان را هر چه بیشتر روکنیم .

بقیه از صفحه ۲۰
سایا ستاد ...
آبپاری کرد . اگر چه رژیم تا مدعی شد که او در نتیجه ما بت "تیر هوایی" بشهادت رسیده است ولی اطرافیان او شهادت را نتیجه یک ترور سیاسی ویرنا مدیریت شده میدانند . آنها بهمین جهت در صدد دستگیری قاتل برآمدند و در این رابطه "ستوان حسن گل نان" و "سرهنگ حسن شاه بیگی" را به "دادگاه انقلاب" تحویل دادند . اما بعدها مشخص شد که در جریان محاکمه "شاه بیگی" از او با زوجی های لازم در رابطه با شهادت استاد نجات الهی بعمل نیامده و هم - چنین "گل نان" را از زندان آزاد نموده اند . این امر با اعتراض شدید استادان مبارز و مخالفان بوده و روبرو شد و دادگاه آنها قول رسیدگی مجدد به پرونده شاه بیگی و دستگیری "گل نان" را داد . یکی از همزمان او با کید براینکه "ما معتقد نیستیم خون نجات الهی رنگین تر از سایر شهداست " میگوید که ما را جهت محاکمه قاتل یا قاتلان و فقط جنبه انقلابی آنست و لا غیر . نکته جالب توجه اینکه "دادگاه انقلاب" به دانشکاهان و خانواد نجات الهی فسفاسار ش کرده است ، در حال حاضر که حسن گل نان دستگیر نشده بهتر است مسئله مسکوت بماند و در مراسم از قاتلان نامی برده نشود! اما بخوبی معلوم است که این جز توطئه ای برای با بعال کردن خون این شهید خلق نیست!

یاد این مبارز شهید را گرامی میداریم و با خا نواده او دانشکاهان مبارز و همسرش اعلام همدردی و همبستگی مینمائیم .

۱۹

این دروغ هم به مانی حسبد!

عموغلان مبارز!

هر زمان که هیئت خاکمه خود را در حل مشکلات عاجزی بیند، هر زمان که طرحهای او برآی قسرو - خوابا بدن شورا نقلی توده ها نقش بر آب می شود، هر زمان که با مقاومت قهرمانان نهاده ها مواجعه می کرد و با فشار آنها را در راه تحقق خواسته های انقلابی، دموکراتیک و فدا میریالیستی می بیند و حتی هر زمان که با اختلافات درونی خود و با درکش با همدرستان خویش که برای سپیم شدن در قدرت می کوشید برخورد می نماید. تنها یک چیز را بخاطر در راه و هرگز فراموش نمی کند و آن جمله همه نیروهای چپ، انقلابی و مترقی است. با رها دیده ایم قضیه ای که هیچ ربطی به سازمانهای چپ نمی توانستند داشته باشند با کمال وقاحت به آنها نسبت داده شده و توده های نا آگاه را بر علیه این سازمانها و نیروها شورا نده اند، از قضیه ترور مطهری گرفته تا داستان آتش زدن خرمن ها! با جنگ افروزی در نواحی مختلف کشور روده ها نمونه کذب محض دیگر که هیئت خاکمه برای تشریک خویش و برای منحرف کردن اذهان عمومی و حمله به کمونیستها، بیشتر مانع و علیرغم همه "خامنه های کتب می کند" بر آکنده است. مسلماً هیئت خاکمه این دروغها را بحسب تصادف نمی یابد. موضع طبقاتی او درست در نقطه مقابل منافع زحمتکشان قرار دارد. این است که بدترین خطراتی را برای سرمایه داری و ارتجاع در وجود کمونیستها و نیروهای مترقی می بیند. هر چند دروغهای هیئت خاکمه یکی پس از دیگری فاش شده اند اما دروغگو با آنرا جز کارهایمان دروغها و آنها را ما جا راه نیست و اینک تا تازه ترینش: پس از حوادث سربازکده ما علل آنرا در طبی دو بیانه تشریح کرده، خطراتی که از سوی فدا انقلاب خلقیای مستعدیده و قهرمان ما را تهدید می کند بر شمرده ایم یکی از عوامل رژیم پیمان میهنس غروی که استاندرا در بیان شرقی است طی مصاحبه ای در کیهان ۲۴ آذر ما کرده که سازمان ما "بحدودت سربازکده من زده و در تظاهرات بنفج! آیت الله شریعتمداری شرکت نموده است!"

دو بیانه که از طرف سازمان ما، یکی در نهران (۹/۱۹) و دیگری در تبریز از سوی کمیته آذربایجان (۹/۱۶) انتشار یافته، کوچکترین نقطه ای می رانی نی گذارند تا دروغگو بیگان جمهوری اسلامی بتواتر خبری فریب توده ها و منحرف کردن سمت مبارزه، فدا میریالیستی آنان دروغ بیافشد، در بیانیه تهران تحت عنوان: "دعوی ولایت فقیه، خیانت لیبرالها و هشدار به طبقه آذربایجان" چنین گفته شده است:

"شکی نیست که حرکت مردم تبریز، اعتراضان به قانون اساسی و ارتجاع حاکم در اصل دارای مضمون مترقیانه ای است لیکن وقتی زیر حراحت از مرتجعین لیبرال و با طرا حی آستان سراه انداخته میشود، در مسیری متغایا منافع توده ها قرار گرفته و طبیعتاً نمی توان نمود حمایت کمونیستها و انقلابیون دموکرات واقع شود."

و در بیانیه کمیته تبریز چنین آمده است:

"خلق ما بعلت نبود رهبری طبقه، کارگرو حزب آن در انقلاب دموکراتیک، نتوانست به خواستهای خود جامعه عمل بپیوندد. طبقه کارگر با بدباندکده تنها راه قطع نفوذ سلطه امپریالیسم و ناسودی نظام سرمایه داری وابسته، در ایجاد حزب طبقه کارگر و رهبری توده های خلق بسبب وسیله، این حزب می باشد. این است که طبقه کارگر در مبارزه خود با حفظ استقلال طبقاتی و شعارها و خواسته های مستقل خود به باید بدنبال حزب جمهوری اسلامی (حزب خرد بورژوازی مرفه سنتی که در اتحاد با لیبرالها و حامیان امپریالیسم دست به سرکوب خلق زده است) برود و نه بدنبال حزب جمهوری خلق مسلمان، حزب بخشی از لیبرالهای فدا انقلابی و اجاز شیبه آن، اما زمانی که استاندرا آذربایجان می گوید: "مسئله مرجعیت این روزها در اینجا مطرح است"، نه تنها منت خود را با زمین کند بلکه خواسته تحویل ما را که نشان دادیم دعوا، "دعوی ولایت فقیه است، تا شیمی نماید! اومی گوشه سخنان بورژوازی لیبرالهای حزب جمهوری خلق مسلمان را که لاشه بورژوازی وابسته و حتی عناصرناخته شده ای از رژیم داشته است بر سرپوش اختلاف بر سر تعبیر نظر آیت الله شریعتمداری نسبت به قانون اساسی بیونته و انبوه می کند که گویا آیت الله شریعتمداری رفتار دوم را تحریم نکرده است، در صورتیکه وی از موضع راست لیبرالی خویش و در چهار چوب "دعوی ولایت فقیه" و کشمکش بر سر قدرت، از شرکت در رفتار خودداری نمود، اطلاعاتی که بدست آمده نشان میدهد که بنان با پشتیبانی و در واقع با نمایندگی از بورژوازی تجاری بوزک آذربایجان از چند ماه پیش توطئه را تدارک می دیده اند. منجمله مقام دیر هگفتی برنج با نیست کزاف از سوی این تجار بازار گیلان خریداری شده و در آذربایجان برای "روز مبارک" ذخیره شده است!

در ادامه، همان سیاست ارتجاعی و کمراه کننده توده ها که هیئت خاکمه بنا بر ما هیئت فدا خلقی خود انجام میدهد در کیهان ۲۶ آذر می خوانیم که دعوی سازمان بیکارو، تن از اعضای سازمان جریکهای فدا شی خلق و... را می خوانند (به آنها مانی دروغین) مهاجرت کنند. ما از جانب خود مان ضمن محکوم کردن اینگونه اتهامات که میکوسد بین توده ها و سازمانهای انقلابی و مترقی جدائی بسازند، اعلام می کنیم که کمی از سازمان ما در تبریز دستگیر شده است. ما موضع خود را در قبال هیئت خاکمه و بورژوازی لیبرالهای تشنه قدرت و اعمال امپریالیسم که با ما سگهای کونا کون به محنت آمده می در منحرف کردن جنبش انقلابی توده ها و سرکوب آن دارند، بیان کرده ایم، ماقاطعاً سند اعلامی کنیم که دروغها را بر ضد سازمان های دموکراتیک و فدا میریالیستی توده ها و در راه تحقیق اهداف طبقه کارگرا یا جان بر مواجعه انقلابی و کمونیستی خود می ایستیم.

نیکبیر تولد گران نفرسه افکـــــــــــــــن!
پروشان با دما رزات فدا میریالیستی و فدا رتعا می توده ها!
بیر فرار با د جمهوری دموکراتیک خلقی!
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۹/۲۷

نقیه از صفحه ۲۰ گرامی باد...

مسئولیت از خود، از مردم کوچک و بزرگ را در صورت جمع آوری اسناد و مدارک مستند در رابطه با نقش کثیف سپرسنها و ندی در سازمان امنیت استخدام می طلبد.

در خرداد ۵۶ در صفحه ۱۲ شماره ۶۳ ستاره سرخ نقل شده است که "آنچه در روزنامهها آمده سراسر تحریف است" و تاکید می کند که خانه، خیابان و شوق، یعنی خانه های که این رفقا در آن بشهادت رسیده اند، متعلق به آنها نبوده و رفقای شهید مسعود صرامی، ما هرخ فیال، جلال دهقان، رحیم تنگری، حسن زکی زاده مینا رفیعی و محمد علی بابا و اصولاً ارتباطی با سازمان انقلابی نداشتند.

از آنجا که این سازمان سبی فراوان در در هر گونه ارتباط با شهدای خانه و شوق داشت، در همان شماره، نشریه تاکید می کند که یکی از این رفقای شهید تا دو سال پیش (بیش از خرداد ۵۶) بعنوان عضو سازمان جریکهای فدا شی خلق زندانی بوده است.

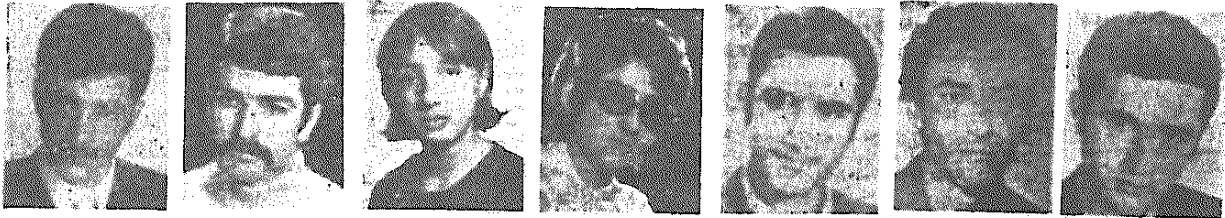
حال برای ما خانواده های شهدای ۳۰ آذر این سوال پیش می آید: چه شده است که سازمان انقلابی علیرغم تکذیب قبلی عضویت این هفت مبارز شهید، در نظر دارد مراسم بزرگداشتی بیادود آنان برگزار کند؟ در نتیجه این عمل فرصت طلبانه در تسمای که قبلاً با ما (خانواده های شهدا) گرفته بودند، همزمانی نهادت فرزندان ما را با شهدای رفیق بیروسیز و اعظ زاده مطرح کردند که با توجه به عملکرد قبلی سازمان انقلابی، از سوی ما با مخالفت نددیدی روبرو شد، با ابیتوسف در نشریه، رنجبر (ارگان سازمان انقلابی) و اطلاعیه، مسورخ ۵۸/۹/۲۶ سازمان انقلابی، به گونه ای زیر کانه فرزندان شهید ما را از آن خود دانسته و اعلام می دارد مراسم بزرگداشتی به تجلیل از آنان برگزار خواهد کرد. با تقدیم این اطلاعیه به خلق مبارز ایران، اینگونه اعمال فرصت طلبانه، سازمان انقلابی و متحدین جدیدش را که با بهره برداری از چهره های مبارز در جهت پیشبرد منافع فرقه ای خود کام بر می دارد، شدیداً محکوم می نمایم و اعلام می کنیم که مبارزه ما دقاته، رفیق بیروسیز و اعظ زاده را ارج می نهیم.

خانواده، شهدا ۱۳۵۸/۹/۲۸

توضیح و تصحیح

با پوش از خوانندگان، در مقاله "چهارمین جشن سالگرد انقلاب اکتبر" بقلم لنین کهدر بیکار شماره ۲۹ چاپ شده بود، عبارت "المثنی های روسی این تیب اجتماعی بین المللی" به غلط "المثنی های روسی نوع سوسیال انترناسیونال" ترجمه شده بود که بدینوسیله تصحیح می گردد.

در بیکار شماره ۲۸ خبری آمده بود از اعتماد دانش آموزان راهنمایی دیوگلا از توابع آمل در اعتراض به انتقال یکی از مسلمانان که فکرمی کردند اجباری بوده است، ولی با تحقیقات بعدی دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که معلم مزبور بدینوسیله اداره آموزش و سرورش ولی با درخواست خودش انتقال یافته است.



گرامی باد خاطرۀ هفت شهید، از جنبش انقلابی خلق!

خبری مورخه: دی ماه ۱۳۵۵ عنوان نموده است که (طبق اطلاعات موثقی که از سوی نیروهای مبارز بدست ما رسیده است و همچنین برخی شواهد و علائم دیگر، سیروس نها وندی که در سال ۱۳۵۲ بنحو مشکوکی از زندان فرار کرده است، یکی از عناصر فعال ساواک می باشد.)

درجای دیگر همین نشریه آمده است که (درگیری گروه ۲۰ نظری با پلیس در تاریخ ۱۳۵۵/۹/۳۰ مربوط به همین جریان می باشد و سیروس نها وندی شخصاً در آن دست داشته است).

در حالیکه در تاریخ بهمن ۱۳۵۵ در صفحه ۲ بولتن دفاعی سازمان دانشجویی سازمان انقلابی در خارج از کشور از سیروس نها وندی بعنوان یک مبارز صادق و انقلابی نام برده شده است.

علاوه بر این شواهدی موجود است که سازمان انقلابی در مورد ما هیت این خود فروخته نه تنها موضع مشخص و قاطعی اتخاذ کرده، بلکه در این خصوص و بسیاری موارد دیگر سکوت را ترجیح داده است. در شهریور ۵۲ پس از مدتها افشاکاری عناصر مبارز و رفع هرگونه شک و تردید در مورد ما هیت پلیسی این شخص، سازمان انقلابی در شماره ۷۲ ارگان خود (ستاره سرخ) با سلب بقیه در صفحه ۱۹

منتسب سازند. غافل از اینکه مدتهاست که مجتبان باز شده است. در پاسخ به عمل اپورتور - نیستی "سازمان انقلابی"، خانواده: این شهید اطلاعاتی منتشر شده اند که به درخواست خودمان در اینجا نقل می کنیم:

چگونه سومین سالگرد شهیدای ۳۰ آذر مورد بهره برداری فرصت طلبان قرار می گیرد

در روز ۳۰ آذر ۱۳۵۵، هفت تن از فرزندان خلق ایران که در رابطه با توطئه: خائنه و نتگین (ساواک - سیروس نها وندی)، در یک درگیری مسلحانه، نابرابر در خیابان ونسوق تهران جان خود را در راه بیداری و ادامه جنبش انقلابی ایران فدا نمودند و با نثار خون خود ما هیت کثیف سیروس نها وندی رهبر "سازمان آزادیبخش خلقهای ایران" را افشا نمودند و از وارد آمدن ضربات بیشتر به سایر گروهها و سازمانهای مبارز جنبش انقلابی مانع شدند.

اعلامیه ها و اطلاعیه ها شیکه بعد از فاجعه ۳۰ آذر توسط سازمانها و گروههای مبارز در رابطه با ما هیت سیروس نها وندی توزیع گردیده است، شما ما با موضع بسیار مشخص نقشی خائنه: این مزدور را مطرح نموده اند. از جمله سازمان مجاهدین خلق (م.ل) در نشریه:

۳۰ آذر ماه مصداق بود با سومین سالگرد هفت تن از فرزندان انقلابی خلق، رفقای شهید: مسعود ماری، ما هرخ فیال، جلال دهقان، رحیم شتکری، حسن زکی زاده، مینا رفیعی، محمد علی باریا و از جمله دلاورانی بودند که در سالیهای سیاه دیکتاتوری شاه و سلطه: تمام و کمال امپریالیسم آمریکا، بخاطر آرمان زحمتکشان مبارزه کردند و سرانجام در تاریخ ۳۰ آذر ماه سال ۵۵ در جریان توطئه: ساواک - سیروس نها وندی خائن، قلب های ما را مالامال به عشقکشان بدتوده های ستم دیده، از حرکت باز ماند. اما خاطرۀ آنها همواره در با دلخفایمان باقی خواهد ماند و راهی را که آنان و تمام شهیدای خلق پیموده اند، تا به آخر پیموده خواهند.

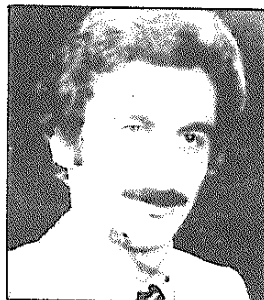
گرامی باد یاد همه شهیدای راه آزادی و استقلال

درومین سالروز شهیدات هفت رفیق فوق - الذکر مراسمی از طرف خانواده: این شهید در روز جمعه در بهشت زهرا برگزار گردید.

رویزونیست های "سازمان انقلابی" که همواره سعی می کردند سیروس نها وندی خائن را تشریح کنند و از طرف دیگر رابطه خود را با این شهیدانکار کنند، امروز دست به عملی بس اپورتونیستی و شایسته زده اند. آنها کوشش می کنند این رفقای شهید را به نوعی به خود

توطئه و اتهام علیه مجاهدین خلق را محکوم میکنیم

اینروزها ارتجاع، حملات ردیالانه، خود علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را نند بخشنیده است. این سازمان که در مبارزات ضد - امپریالیستی و دموکراتیک میهن ما مجاهدات صادقانه ای داشته است طی ماههای گذشته در معرض اتهامها و توطئه های گوناگون قرار گرفته، اما همچنان بر بسیاری از مواضع مترقی و دموکراتیک خود، همدا با دیگر نیروهای مترقی جامعه پای فشرده است. جمله: مداوم و آشکار با اینها عوامل ارتجاع به این سازمان تنها در رابطه با همین بافتاری قابل فهم است. ما توطئه های ارتجاع و اعمال امپریالیسم علیه این سازمان را قاطعانه محکوم می کنیم و حمایت از این سازمان مترقی را در مقابل یورش ارتجاع، وظیفه: کلیه: نیروهای ملی و مترقی می دانیم.



بیاد استاد کامران نجات الهی شهیدی از دانشگاه، ستاره ای از سنگر آزادی

"بی میرم از اشتیاق آتش گرفته میمیرم بدار آویخته میمیرم بسمل شده میمیرم لبیک، نگویم هرگز: گذشت عشقان، با بیان بافت عشق ما نمی میرد.

(یک شاعر فلسطینی)

مهندس کامران نجات الهی استاد شهید دانشگاه، فرزند خلف خلق قهرمان گردید. او در سال ۱۳۳۳ در سیما متولد شد، طی دوران تحصیل و پس از آن با روح جستجوگروا حاس مسئولیتی که نسبت به سر نوشت توده های زحمتکش میهن خود داشت، با ادبیات ما رگسیتی آشنا شد و همگام با رشد او و جگیری مبارزات توده ای علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و رژیم دیکتاتوری شاه، بعنوان یک انقلابی متعهد بخروج و ارت شرکت فعال در مبارزه خلق پی برد و از هر طریق که برایش

امکان داشت اقدام نمود و با تکمیل و پیش اعلای میه های مخفی بر علیه رژیم و است شاه و ارتباط با امپریالیست و به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و در ان نشریه "همبستگی" ارگان سازمان ملی دانسگا همان در دوره اختناق نقشی موثر داشت. او در تحن دانسگا - هیان مبارز در محل دبیرخانه دانسگا و سپس در وزارت علوم و معاونت شرکت نموده و در یکی از روزهای تحن (پنجم دیماه) بود که در نتیجه آتشباری چکمه پوشان شاه، خون پاکش بر زمین ریخت و درخت آزادی زحمتکشان میهن ما را بقیه در صفحه ۱۸

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر